

## کاستی‌های عمدهٔ ابیات رودکی مضبوط در نسخهٔ خطی فرهنگ دانشنامهٔ قدرخان

دکتر زهرا نصیری \*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر نصرالله امامی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

سجاد دهقان \*\*

### چکیده

دانشنامه قدرخان، فرهنگ لغتی فارسی به فارسی است که به قلم اشرف‌ابن شرف المذکر الفاروقی در سال ۸۰۷ق تألیف شده است. از آنجا که در این فرهنگ شمار قابل توجهی از ابیات منسوب به رودکی وجود دارد و همچنین برخی از ابیات آن مستقیماً در دیوانهای منتشر شده از رودکی در ایران و تاجیکستان تأثیر داشته، لازم است یگانه نسخهٔ خطی آن از حیث کیفیت کلی اثر و نیز ابیات مضبوط در آن بررسی و نقد شود. نگارندگان با توجه به این مهم، یکایک شواهد این فرهنگ را استخراج، و سپس به کاستی‌ها و کمبودهایی پرداخته‌اند که در ضبط ابیات به چشم می‌خورد و نهایتاً انتساب ابیات را به رودکی بررسی کرده‌اند. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به موارد زیادی از تصحیف و تحریف، ضبط‌های آشفته، انتسابهای نادرست و دستکاری در ضبط ابیات اشاره کرد؛ با وجود این کاستی‌ها، اثر بر خلاف نظر مصححان برجسته دیوان رودکی از جمله براگینسکی، میرزایف، نفیسی و ...، که از آن به‌عنوان منبعی دست اول در بازیابی اشعار رودکی بهره برده‌اند، منبعی کم کیفیت و دست دوم برای تصحیح و بازیابی اشعار رودکی است.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگهای فارسی سدهٔ نهم، فاروقی، دانشنامهٔ قدرخان، رودکی سمرقندی، کاستیهای عمده، انتسابهای اشتباه در تصحیح.

۱۲۹



فصلنامه پژوهشهای ادبی سال ۱۷، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۶

\* نویسنده مسئول: zahra.nasirishiraz@yahoo.com

\*\* کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

## ۱. مقدمه

کمیابی و در عین حال پراکندگی پاره‌ای از اشعار شاعران پیشگام بویژه سروده‌های اصیل رودکی سمرقندی در جنگها، سفینه‌ها، کتابهای بلاغی و بویژه کتابهای لغت، موجب شده‌است تا پژوهشگران برجسته در عرصه رودکی‌پژوهی، هر نسخه تازه و نویافته‌ای را بررسی کنند که حاوی سرنخهایی از اشعار رودکی سمرقندی باشد و از اطلاعات و ابیات تازه آن برای پربار کردن دیوان این شاعر بهره ببرند.

یکی از فرهنگهای لغتی که هنوز با پیدا شدن نسخه‌ای تازه از آن می‌توان سرنخی تازه از ابیات رودکی سمرقندی گرفت، لغت فرس اسدی طوسی است. این فرهنگ از دیرباز تاکنون، منبع مهمی برای بازیابی اشعار رودکی و البته استفاده مؤلفان فرهنگهای بعد نظیر صحاح‌الفرس، تحفه‌الاحباب، فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، مجمع‌الفرس و ... بوده‌است به‌گونه‌ای که هر یک از این مؤلفان در مقدمه آثار خود به استفاده از فرهنگهای سابق بویژه لغت فرس تأکید کرده‌اند (در این باره بنگرید به: نجوانی، ۱۳۴۱: ۸؛ حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۲۸؛ فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ۱۹؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۲). هم‌چنین مؤلف فرهنگهایی که در مقدمه صراحتاً از لغت فرس اسدی نام نبرده‌اند، استفاده آنها از فرهنگ اسدی کاملاً مشهود است؛ مانند فرهنگ قواس و ... (در این باره بنگرید به: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۷-۸).

نسخ فرهنگ اسدی، که می‌بایست آن را مخزن‌الابیات شاعران پیشگام دانست با تحریرهای متفاوت همراه است. امروزه از میان نسخه‌هایی که از این فرهنگ به‌دست ما رسیده است، چند تحریر متفاوت دیده می‌شود که از نظر تعداد لغات و شواهد با یکدیگر متفاوت است.

یک فرضیه قریب به یقین، که درباره تحریرهای چندگانه نسخه‌های فرهنگ اسدی وجود دارد، این است که هر یک از این تحریرها به‌دست یکی از شاگردان اسدی طوسی نوشته شده و نسخه اصل آن (یعنی نسخه‌ای که اسدی خود شخصاً آن را نوشته است) احتمالاً از دیگر تحریرها کم‌حجمتر بوده است (در این باره بنگرید به: صادقی، ۱۳۹۳: ۸۰).

به‌هر روی، هدف این مقدمه، تبیین اهمیت فرهنگهای تازه مؤلفان شناخته شده و ناشناس برای بازیابی و تصحیح اشعار شاعران پیشگام است؛ زیرا ممکن است مؤلف

\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ابیات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

آن فرهنگ با دستیابی به تحریری جز تحریرهای موجود از لغت فرس و استفاده از آن در تألیف اثرش، ابیاتی تازه از شاعران پیشگام را در خود حفظ کرده باشد.

در این جستار یکی از فرهنگهای نوشته شده در هندوستان معرفی می‌شود؛ سرزمینی که اشتیاق ادیبان و عالمانش به فرهنگ‌نویسی فارسی، بیش از ایرانیان و دیگر کشورهای همجوار بوده است. این فرهنگ، که با عنوان *دانشنامه قدرخان* نامگذاری شده<sup>۱</sup>، توسط فاروقی در اوایل سده نهم (ه.ق) با استفاده از فرهنگ *قواس* و دیگر فرهنگهای قبل از آن تحریر یافته و اکنون یک نسخه خطی از آن در آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان به شماره ۲۵۷۳-۳۲۴-G موجود است.

دو محقق تاجیکستانی، حسین‌زاده و هاشم، اولین کسانی بودند که به این فرهنگ توجه نشان داده، ابیات منسوب به رودکی سمرقندی آن را جمع‌آوری و معرفی کردند. آنان از این فرهنگ به عنوان یک کشف بزرگ نام بردند و دیگر مصححان دیوان رودکی نیز با توجه به شمار قابل توجه ابیات منسوب به رودکی در این فرهنگ از این ابیات استقبال کردند و به صورت مستقیم از نسخه خطی فرهنگ یا غیر مستقیم از تصحیحات براگینسکی، میرزایف و نفیسی در چاپ دوم (سال ۱۳۴۱)<sup>۲</sup> در دیوان اشعار رودکی بهره بردند (به عنوان مثال میرزایف و دانش‌پژوه بخشی در دیوان موسوم به ابیات از *دانشنامه قدرخان* ترتیب داده و ابیات تازه این فرهنگ را آنجا نقل کرده‌اند (ن.ک: میرزایف، ۱۹۵۸: ۶۰۲-۶۰۶؛ رودکی، ۱۳۷۴: ۷۶-۷۸). هم‌چنین اهتمام دیگر مصححان دیوان رودکی به چاپ دوم نفیسی (۱۳۴۱ش) -دیوانهای چاپی در ایران و تاجیکستان- موجب شد تا این فرهنگ در ضبط برخی ابیات دیوان رودکی تأثیر مستقیم داشته باشد؛ با این اوصاف، نگارندگان با مراجعه دوباره به این فرهنگ قصد دارند تا ابیات منسوب به رودکی را در این فرهنگ ارزیابی کند و کاستی‌های عمده آن را باز نمایند.

## ۲. ضرورت بررسی منابع مستند اشعار رودکی سمرقندی

بررسی منابع مستند اشعار رودکی و نقد آنها از جمله بیان نقاط ضعف و قوت از دو نظر حائز اهمیت است: نخست اینکه اگر این منابع جزء منابع مورد استفاده نفیسی و دیگر مصححان بوده است از تکرار معایب آن در آثار دیگر جلوگیری می‌شود. دود دیگر اینکه اگر این منابع جزء هیچ‌یک از منابع مورد استفاده مصححان پیشین نبوده است،



موجب خواهد شد با ارزیابی دقیق و نقد علمی آن از ورود اطلاعات غلط به تصحیح دیوانها و تحقیقات رودکی پژوهان در آینده جلوگیری شود.

نقد و ارزیابی هر یک از منابع، مبتنی بر اصول نسخه‌شناسی و متن‌پژوهی، شامل مواردی است؛ نظیر بررسی احتیاط علمی کاتب نسخه یا مؤلف در ضبط و انتساب ابیات، بررسی کیفیت نسخه، قدمت آن، تأثیرپذیری مؤلف از منابع دیگر، بررسی میزان اطلاعات مفید و غیرسودمند در نسخه و بسیاری مسائل دیگر.

تردیدی نیست که بی‌پروایی مصححان در استفاده از یک منبع، می‌تواند به راهیابی غث و سمین ابیات به دیوان بینجامد و از این رهگذر، ضربات جبران‌ناپذیری به بدنه دیوان و پژوهش‌های مرتبط با آن وارد شود؛ به همین دلیل، ارزیابی علمی منبع، لزوماً با معرفی ابیات نویافته، ضبط‌های برتر و معرفی انتساب‌های تازه همراه نیست؛ اما می‌تواند با شناساندن بهتر آن اثر به جامعه علمی، هم به این دلیل که کیفیت علمی آن را تبیین می‌کند و هم بدان سبب که پژوهشگران دیگر حوزه‌ها را با آن منبع و نقاط ضعف و قوتش بیشتر آشنا می‌سازد، رسالت خود را به جا آورد. بنابراین، بررسی منابع مستند اشعار رودکی به مثابه سنگ بنای مباحث رودکی‌پژوهی، امر خطیری است که نگارندگان در این نوشتار و ضمن بررسی یکی از این منابع (دانشنامه قدرخان) پیش چشم داشته‌اند.

### ۳. پیشینه پژوهش

درباره فرهنگ *دانشنامه قدرخان* تاکنون مقالات و نوشته‌های انگشت‌شماری در ایران و تاجیکستان نوشته شده است. همگی این آثار صرفاً به معرفی این فرهنگ و نسخه خطی آن پرداخته‌اند. نخستین پژوهش مستقلی که درباره این اثر صورت پذیرفته، مقاله‌ای است با عنوان «دانشنامه قدرخان و اهمیت آن در آموختن آثار رودکی و میراث ادبی ما». این پژوهش را شریف‌جان حسین‌زاده و رحیم هاشم، دو محقق تاجیکستانی در سال ۱۹۵۸م مصادف با جشن ۱۱۰۰ سالگی رودکی به چاپ رسانیدند. مؤلفان این پژوهش در روزگاری به تألیف پژوهش خود دست زده‌اند که هنوز دو فرهنگ *صاح الفرس* و *فرهنگ قواس*، تصحیح و چاپ نشده بود. اینان با معرفی اجمالی این فرهنگ و برشمردن برخی ویژگی‌های کلی آن، صرفاً به نقل ۶۴ بیت منسوب به رودکی بسنده کرده‌اند. البته این دو مصحح، ابیات رودکی در *دانشنامه* را پس از نقل با لغت

\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

فرس اسدی، تصحیح اقبال مقابله کرده‌اند. گفتنی است که این مقابله به دور از موازین نقد متن‌شناختی و گاهی همراه با تصحیح نقاط ضعف ایات در *دانشنامه قدرخان همراه* بوده است. اگرچه این پژوهش در زمانه خود و به اقتضای شرایط، قابل تقدیر است و معرفی اثر، به‌خودی خود ارزش بسیار دارد در مجموع فاقد دیدگاه‌های انتقادی راهگشایی است که به بازیابی اشعار رودکی بینجامد (برای بررسی بیشتر این مقاله بنگرید به: حسین‌زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۴۵-۶۳).

دومین اثری که در آن به فرهنگ *دانشنامه قدرخان* پرداخته شده، *تحفه الاحباب* به تصحیح حسین فرمند است. مصحح هنگام معرفی فرهنگهای فارسی دری در مقدمه کتاب در چهار صفحه به توصیف این فرهنگ پرداخته که البته تمامی اطلاعات از مقاله پیشین گرفته شده است (ن.ک: حافظ اوبهی، ۱۳۶۷: پنجاه و دوم - پنجاه و پنجم).

اسماعیل حاکمی در مقاله‌ای با عنوان «*دانشنامه قدرخان* و فرهنگهای فارسی»، پس از معرفی تاریخچه مختصری از فرهنگهای لغت به معرفی این فرهنگ پرداخته و در بخش پایانی اجمالاً برخی نقاط ضعف فرهنگ از جمله تصحیف و تحریف در ضبط و تعریف لغات را ذکر کرده است (ر.ک: حاکمی، ۱۳۸۲: ۱۶۹-۱۷۶).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «فرهنگ *دانشنامه قدرخان* و خصوصیات عمده آن»، دو تن از محققان تاجیکستانی به نامهای نورالله غیاث‌اف و رخساره نظام‌الدین اوا به بررسی ویژگیهای فرهنگ مورد بحث پرداخته‌اند که البته بسیار مختصر و مفید است. در این اثر نیز به مانند دیگر اثر تاجیکستانی، نقدی بر کار مؤلف صورت پذیرفته است<sup>۳</sup> (برای مطالعه بیشتر درباره این مقاله بنگرید به: غیاث‌اف، نظام‌الدین اوا، ۱۳۹۴: ۵۵۹-۵۶۷).

در مدخل «*دانشنامه قدرخان*» از *دانشنامه جهان اسلام*، اطلاعات مفیدی درباره این فرهنگ به قلم سالمون بایفسکی آمده است که خوانندگان می‌توانند برای بررسی بیشتر به آن مراجعه کنند (ر.ک: بایفسکی، ۱۳۹۳: ذیل *دانشنامه قدرخان*). هم‌چنین خوانندگان محترم می‌توانند درباره پیشینه ایات تازه منسوب به رودکی به جستارهایی مراجعه کنند که نصیری شیراز و همکاران در پیشینه پژوهش خود معرفی کرده‌اند (ر.ک: نصیری شیراز و همکاران، ۱۳۹۷: ۲-۳).

#### ۴. معرفی فرهنگ *دانشنامه قدرخان* و نسخه خطی منحصر به فرد آن

اشرف بن شرف المذکر الفاروقی، *دانشنامه قدرخان* را در سال ۸۰۷ق پس از فرهنگهای



لغتی نظیر فرهنگ قواس (اثر فخر قواس تألیف پیش از ۷۱۶ق)، دستورالافاضل (اثر حاجب خیرات معروف به رفیع دهلوی، تألیف ۷۴۳ق) در بلاد هندوستان به‌رشته تحریر درآورد. عنوان اصلی این فرهنگ در نسخه خطی «لغات پهلوی» است.

نسخه خطی منحصر به فردی از این فرهنگ به شماره ۲۵۷۳-۳۲۴-C و تاریخ کتابت ۸۱۱ق به قلم اسحاق بن ابراهیم بخارایی در آکادمی علوم جمهوری آذربایجان نگهداری می‌شود. خط آن نیز ثلث زیبا نوشته شده است (درباره دیگر ویژگی‌های ظاهری نسخه خطی فرهنگ بنگرید به: غیاث‌اف، نظام‌الدین اوا، ۱۳۹۴: ۵۶۵-۵۶۶). البته غیاث‌اف را در شناسایی «خط» این نسخه سهوی دست‌داده که ناشی از تساهل اوست. «سهم خط‌شناسی در نسخه‌شناسی»<sup>۴</sup> و اطلاعاتی که از رهگذر آن به دست می‌آید، مهم است که همواره مورد توجه نسخه‌شناسان و مصححان است. نگارندگان در این زمینه از مشاوره یکی از استادان خوشنویسی بهره برده‌اند: «خط این نسخه نه ثلث است و نه زیبا؛ خطی است مابین رقاع و تعلیق که به دست کاتبی کم‌اطلاع از انواع خط و گونه‌های آن نوشته شده است؛ کاتبانی که اصطلاحاً به ایشان «میرزا بنویس» اطلاق می‌شود».<sup>۵</sup>

این فرهنگ ۲۲ باب دارد و از نظر شیوه تألیف با لغت فرس اسدی مطابق است؛ یعنی مؤلف مدخلها را بر حسب حروف پایانی تنظیم کرده است. پژوهشگران معرفی شده در بخش پیشینه عموماً درباره مزیت‌های این فرهنگ و نوع واژه‌های در آن پیش از این به‌ما اطلاعاتی داده‌اند که در اینجا برای جلوگیری از افزایش حجم مطالب، خوانندگان را به آن مقالات ارجاع می‌دهیم.

درباره ابیات منسوب به رودکی در این فرهنگ، نکاتی که در ادامه مطرح می‌شود، قابل اهمیت است: نخست اینکه ما برای بررسی فرهنگ *دانشنامه قدرخان* به میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مراجعه کرده‌ایم و البته این نسخه عکسی نواقصی از جمله افتادگی برخی صفحات دارد. حسین‌زاده و هاشم در بررسی خود ۶۴ بیت منسوب به رودکی را در این فرهنگ به‌ما نشان داده‌اند که البته با توجه به انتسابهای غلط و ذکر نکردن نام شاعر در پاره‌ای از شواهد، این رقم، قطعی نیست.

نکته بسیار مهمی که مطابق بررسی‌های ما تاکنون کسی به آن اشاره نکرده، شباهت بسیار زیاد شواهد و ضبط لغات این فرهنگ با فرهنگ قواس است. هرچند در فرهنگ قواس چینش مدخلها بکلی با *دانشنامه قدرخان* متفاوت است، استقبال فاروقی از این

\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ابیات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

فرهنگ یا استفاده از منابع مشترک با مؤلف فرهنگ قواس کاملاً مشهود است. از نظر نگارندگان به هیچ وجه ممکن نیست فاروقی هنگام تألیف دانشنامه به دیوان رودکی دسترسی داشته است؛ زیرا تمامی شواهدی که وی به نام رودکی نقل کرده، دست کم در یک نسخه خطی از لغت فرس اسدی موجود است. با این حساب باید نشان ابیات منسوب به رودکی را در نسخه‌های خطی لغت فرس یا صحاح‌الفرس جستجو کرد که آن هم از نسخه‌های خطی لغت فرس سود برده است. مطابق بررسی ما، منبع مورد استفاده فاروقی، چه نسخه‌های خطی لغت فرس به صورت مستقل باشد و چه از فرهنگهای دیگر نظیر فرهنگ قواس بهره برده باشد، این نکته آشکارا قابل مشاهده است که مؤلف از برخی گروه‌های نسخ خطی لغت فرس بهره برده است؛ به عنوان مثال در این فرهنگ ذیل واژه «فزغند»، بیتی به نام رودکی آمده که در میان نسخه‌های خطی لغت فرس، تنها در نسخه‌های همگروه نسخه ملک‌الکلامی مورخ ۸۷۷ق آمده و البته در آنجا بیت به نام ابوالعباس ضبط شده است؛ هم‌چنین ذیل واژه «تیر» شاهد بیت تنها در نسخه پنجاب دیده می‌شود.

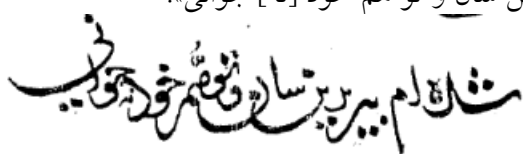
نکته دیگر درباره دانشنامه قدرخان این است که استفاده وی از فرهنگ قواس به صورت تام نبوده است؛ مثلاً در این فرهنگ واژه‌های «فرسب»، «تنج» «وسناد»، «فلرزنگ»، همراه با استشهاد به ابیاتی از رودکی آمده که در فرهنگ قواس نیامده است یا واژه «شفک» در هر دو فرهنگ آمده؛ اما در فرهنگ قواس بدون شاهد ذکر شده است. بنا بر وجود شباهتهای زیاد میان این دو فرهنگ دو فرضیه به ذهن متبادر می‌شود: نخست اینکه چون فرهنگ قواس براساس نسخه‌ای منحصر به فرد تصحیح شده، ممکن است که این واژه‌ها یا شواهد و ... از نسخه افتاده باشد و فاروقی به نسخه کاملتری از این فرهنگ دسترسی داشته است.

فرضیه دوم این است که فاروقی همانند فخر قواس از منابعی مشترک برای ضبط و انتساب شواهد و لغات بهره برده باشد و همین مسئله موجب تشابه فراوان این دو اثر شده باشد. به هر حال تشابه این دو فرهنگ تا اندازه‌ای است که می‌توان نقاط ضعف آنها را با بررسی و تقابل آن دو باهم برطرف کرد.

افزون بر آنچه پژوهشگران تاجیکی و اسماعیل حاکمی در توصیف ویژگیهای نسخه گفته‌اند، چند ویژگی درباره نسخه خطی منحصر به فرد این اثر قابل ذکر است:



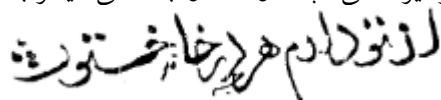
یکی از این ویژگیها وجود برخی دستکاریها (البته دستکاریهای مفید به قصد اصلاح اشتباهات فاحش) توسط مالک یا مالکان نسخه در طول سده‌های مختلف یا شخص کاتب است؛ به‌عنوان مثال در تصویر زیر کسی «نه» را به‌مصرع نخست بیت افزوده است: «شده‌ام پیر بدین سان و تو هم خود [نه] جوانی».



مشکلام پیر بدین سان و تو هم خود جوانی

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۹۳)

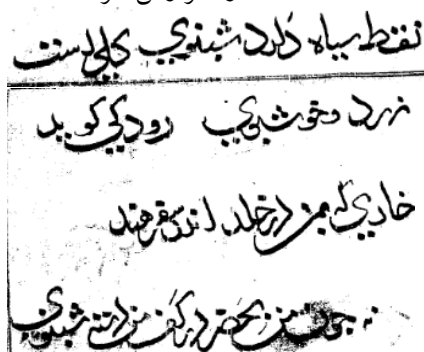
هم‌چنین در نمونه زیر نیز کسی «چه» و «نه» را با خطی دیگر به نسخه افزوده‌است:



از تو دارم هر چه در خواست تو

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۵۲)

از دیگر ویژگیهای نسخه خطی این فرهنگ، خط دشوار آن است به‌گونه‌ای که در موارد زیادی مصححان در خواندن متن نسخه دچار خطا شده‌اند؛ به‌عنوان مثال بیت زیر یکی از مواردی است که حسین‌زاده و هاشم در متن مقاله خود نه بیت را بر اساس دانشنامه ضبط کرده و نه اختلاف نسخه را گزارش کرده‌اند:



نقطه سیاه در کتب شبنوب کلبی است  
نهرن دخت بوی رود کی کوبد  
خاری که بر درخند اندر سفره‌اند  
چون بر کف من دست شنبوی

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۲۲۵)

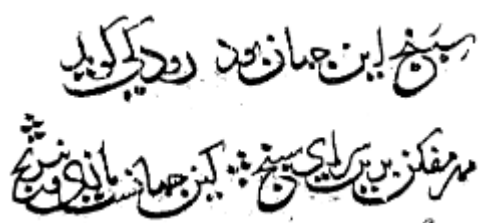
ضبط بیت در مقاله بدین صورت است: «شَب‌بوی: گلی است زرد و خوشبوی.

خاری که به من درخند اندر سفره‌اند      نه چون بخطر بر کف من دست شَب‌بوی»  
(حسین‌زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۶۰)



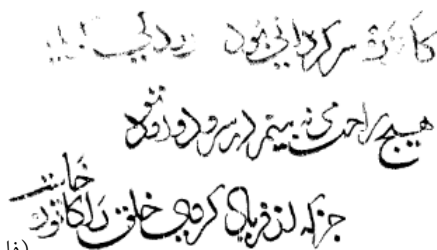
\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

حسین‌زاده و هاشم در بیت ذیل «شبنوی» را به جای «شب‌بوی»، «خلند» را به جای «خلد»، «خطر» را به جای «حضر» و «بر کف» را به جای «در کف»، ضبط کرده‌اند که همگی به دلیل اشتباه در قرائت نسخه رخ داده‌است. در تصویر ذیل نیز چگونگی نگارش «بازی» به گونه‌ای است که ممکن است «بازی» به اشتباه «مانی» خوانده شود:



(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۳۲)

حسین‌زاده و هاشم، مصرع دوم را به صورت «کین جهانست مانی و نیرنج» خوانده‌اند (نک: حسین‌زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۵۰). وصل حرف «ز» به «ی» و شکل نگارش حرف «با»، همگی این خطا را برای این دو مصحح به وجود آورده است. هم‌چنین در تصویر زیر مصرع دوم «جز که از فریاد کز وی خلق را کاتوره خاست» به گونه‌ای نگارش شده که به صورت «کردی» نیز قابل خوانش است:



(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۱۸۹)

حسین‌زاده و هاشم، این واژه را به صورت «کردی» خوانده‌اند که البته این قرائت به دلیل امساک در نقطه‌گذاری و نوع نگارش حرف «و»، که به صورت «د» هم خوانده می‌شود، بدون مقابله با ضبط فرهنگ قواس (ن.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۰۸) کمی دشوار است.

این قبیل اشتباهات در خواندن در دو تصحیح میرزایف و نفیسی نیز مشاهده می‌شود که گزارش همه آنها در این جستار نمی‌گنجد. در ادامه، مواردی از این قبیل بدخوانیها ضمن

بررسی ابیات در آن نسخه ذکر خواهد شد.

## ۵. بحث و بررسی، کاستی‌های ضبط ابیات منسوب به رودکی سمرقندی در دستنویس منحصر به فرد *دانشنامه قدرخان*

تصحیح و بررسی همه جوانب فرهنگ *دانشنامه قدرخان*، کاری درخور پژوهشی گسترده است که افراد متخصص در حوزه فرهنگ‌نویسی و تصحیح بویژه محققان فرهنگهای ناحیه هندوستان باید آن را به انجام رسانند. در این نوشتار، نگارندگان در ادامه پژوهشهای خود در عرصه شعر رودکی، صرفاً به بررسی ابیات رودکی در این فرهنگ پرداخته‌اند؛ باشد که توفیق یابند گامی تازه در تصحیح اشعار رودکی بردارند. در ادامه با بررسی کاستی‌های عمده در انتساب و ضبط ابیات منسوب به رودکی سمرقندی در این فرهنگ، عملکرد مؤلف فرهنگ نقد می‌شود.

### ۱-۵ تصحیف و تحریف

مهمترین کاستی‌ای که در برخورد اول با این فرهنگ فراروی خواننده قرار می‌گیرد، دو عامل تأثیرگذار «تصحیف» و «تحریف» است در ضبط ابیات، مداخل و حتی تعاریف واژگان به‌گونه‌ای که کمتر مدخل و شاهد بیتی را می‌توان دید که از این دو کاستی خالی باشد. این دو اصطلاح به حوزه تصحیح متون و کتابت نسخ خطی در گذشته مربوط است. اصطلاح نخست شامل جابه‌جایی نقاط در سطح یک واژه است به‌گونه‌ای که هر دو واژه معنادار باشد؛ مثلاً تبدیل «بار» به «تار»، «نار»، «پار»، «ثار»، «باژ»، «باز»، «ناژ» و... . اگر کاتب یا مصحح یا هر فرد مربوط به یک نسخه خطی در خواندن همین واژه دچار خطا شود و حرف «ر» را به یکی از اشکال همانند آن مانند «د» یا «و» قرائت کند، مانند «بار» به صورت «باد»، یا «بار» به صورت «باو» = «به او» و ... در اینجا به اصلاح مصححان و کاتبان، خطای «تحریفی» اتفاق افتاده است؛ پس تحریف، همان‌طور که از اسم آن پیداست، شامل اختلافاتی در سطح یک واژه می‌شود که عامل آن همسانی حروف در رسم‌الخط آن باشد.

گفتنی است که هرچه میزان موارد تحریف در نسخه‌ای زیاد باشد، نشاندهنده این است که یا نسخه مورد استفاده کاتب اغلاط زیادی داشته، یا همان نسخه بسیار بدنویس بوده و کاتب در خواندن آن دچار خطا شده و یا کاتب با بدخوانی و بدنویسی به این

\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده‌ی ابیات رودکی مضبوط در نسخه‌ی خطی فرهنگ دانشنامه‌ی قدرخان مشکل دامن زده است. هم‌چنین کیفیت تحریفها (معنادار بودن و بی‌معنایی آنها) نشان‌دهنده‌ی چند نکته است. اگر تعداد تحریفهای بی‌معنی زیاد باشد، نشان‌دهنده‌ی این است که کاتب نسخه بیسواد (صرفاً یک نقاش) یا بسیار کم‌سواد بوده است. هم‌چنین اگر تعداد تحریفهای معنادار زیاد باشد، مشخص است که کاتب یا مؤلف بنابه هر دلیلی به تصحیح برخی واژه‌ها دست زده است.

### ۱-۵ مواردی از تصحیف و تحریف در ضبط ابیات

در نسخه‌ی خطی فرهنگ *دانشنامه‌ی قدرخان* فارغ از قدمت آن، ابیات در اغلب موارد یا با تصحیف یا تحریف ضبط شده است و این، نقص عمده‌ای برای فرهنگ مورد بحث به‌شمار می‌رود. ما در ادامه برخی از موارد تصحیف و تحریف در ضبط ابیات رودکی بررسی می‌شود.

بامها را فرسب خلد کنی از گرانیت گر شوی بر بام  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۲۱)

## بامها را فرسب خلد کنی: ذکر این کتب و بی‌اثر

واژه «خلد» در مصرع نخست با مفهوم کلی بیت هیچ ارتباطی ندارد. این واژه تحریف «خرد» است. در تمامی فرهنگهایی که این بیت را به‌شاهد واژه «فرسب» یا «فرسپ»، نقل کرده‌اند، واژه «خلد» به صورت «خرد» ضبط شده است (به‌عنوان مثال بنگرید به: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۲۳؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۳۹). فرسپ به معنی چوب، درخت یا تیرک بزرگی است که در سقف خانه‌ها از آن استفاده می‌کردند (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل فرسب). بنابراین با توجه به معنی بیت، محرف بودن واژه «خلد» به توضیح بیشتر نیازی ندارد.

شایان ذکر است که حسین‌زاده و هاشم به‌این اختلاف در نسخه اشاره نکرده‌اند (نک: حسین‌زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۴۹).

سوس پرورده بمی بگداخته جوب داروئی زنانرا ساخته

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۶۱)

این بیت که در ادامه نیز به آن خواهیم پرداخت در نسخه با تصحیف «جوب» به جای



«خوب» ضبط شده که اشتباه بودن آن کاملاً آشکار است:

## بخونیش خرد تیر

آنک بخوانیش خرد تیر نام یکی عطارده و نام دگرش تیر  
(حسین زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۵۲)

در تصویر نسخه خطی *دانشنامه قدرخان* موجود در فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، برگی که این بیت از رودکی در آنجا ضبط شده، موجود نیست و ما آن را عیناً از مقاله حسین زاده و هاشم، نقل کرده‌ایم. در متن مقاله بیت مورد بحث بدون شماره صفحه ذیل واژه «تیر» به معنی «عطارده»، آمده است.

نزدیکترین ضبط به بیت مورد بحث در دیگر منابع به صورت زیر است:

زیر عطارده آنکه نخوانیش جز دبیر نامش یکی عطارده و نام دگرش تیر  
(اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۱۵۲)

در منابع دیگر نیز بیت مورد بحث با این اختلافات ضبط شده است: در فرهنگ *قواس* واژه نخست به صورت «پیرش»، ضبط شده (قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۴)؛ در فرهنگ *تحفه الاحباب* و فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار نیز این واژه به صورت «زیرش»، ضبط شده است (حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۱۰۶؛ فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ۷۲) و همین ضبط صحیح‌تر به نظر می‌رسد. در فرهنگ *عجایب اللغة* واژه نخست به صورت «نامش یکی عطارده»، ضبط شده که البته کاملاً اشتباه است (ادیبی، ۱۳۸۹: ۴۵).

مهمتر از این «بخوانیش خرد تیر» تصحیف شده ضبط «نخوانیش جز دبیر» است و هیچ عاملی جز بدخوانی کاتب یا بدنویس بودن نسخه منقول‌عنه را نمی‌توان تصور کرد. جز این ضبط «نام» (واژه اول مصرع دوم) در *دانشنامه قدرخان* ایراد دارد. مطابق همه این منابع بجز *تحفه الاحباب* و فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، مصرع دوم همانند ضبط اسدی طوسی درست است. در این دو فرهنگ، ضبط مصرع دوم چنین است: «یک نام او عطارده و یک نام اوست تیر».

نفیسی با توجه به همین منبع (*تحفه الاحباب*)، بیت مورد بحث را ضبط کرده و آن را به همراه دو بیت دیگر به عنوان یک قطعه مستقل از رودکی - با توجه به همسانی وزن و قافیه - جزء سروده‌های متصل وی در دیوان نقل کرده است:

\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده‌ی ابیات رودکی مضبوط در نسخه‌ی خطی فرهنگ دانشنامه‌ی قدرخان

زیرش عطارد آنکه نخوانیش جز دبیر یک نام او عطارد و یک نام اوست تیر  
عاجز شود ز اشک دو چشم و غریو من ابر بهارگاهی و بختور در مطیر  
گیتی چو گاو نیک دهد شیر مر تو را خود باز بشکند به کرانه‌ی خنور شیر  
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۲)

این قطعه قطعاً از رودکی نیست. ابیات فوق تنها ابیاتی پراکنده از رودکی است در منابع لغت، که مرحوم نفیسی آنها را به هم پیوسته است، در حالی که به‌هیچ عنوان نمی‌توان به‌صرف همسانی وزن و قافیه آنها را سروده‌ی مستقلی از رودکی تلقی کرد؛ زیرا در میان انبوه اشعار رودکی قاعدتاً می‌باید قصاید زیادی با این وزن و قافیه بوده باشد؛ چنانکه در دیوان شاعران عصر غزنوی مانند معزی، عنصری و دیگران، قصاید زیادی با وزن و قافیه یکسان دیده می‌شود.

بندداشت همی حاسد کو باز نیاید باز آمد تا هر شفکی ژاژ بخاید  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۱۱۷)

در مصرع نخست این بیت «بندداشت»، سهو کاتب است. «بنداشت» (=بندداشت) صورت درست این واژه است. هم‌چنین «بخاید» در مصرع دوم تصحیف «نخاید» است که دیگر منابع نیز ضبط کرده‌اند (نک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۶۹؛ همان، ۱۳۱۹: ۲۷۳؛ همان، ۱۳۱۲: ۹۸؛ همان، ۱۳۳۶: ۱۰۱؛ همان، ۱۳۶۵: ۱۵۴؛ نجوانی، ۱۳۴۱: ۱۸۲؛ حلیمی، بی‌تا، برگ ۱۱۱؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۷۶۷).

## بندداشت همی حاسد کو باز نیاید

### باز آمد تا هر شفکی ژاژ بخاید

شایان ذکر است که حسین زاده و هاشم هیچ اختلافی برای این بیت نیاورده و بیت را همانند ضبط لغت فرس اسدی نقل کرده‌اند (نک: حسین زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۵۵).  
ای آنک من از عشق تو اندر جنگ خویش آتشکده‌ای دارم و در هر مژه‌ای ژی  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۲۲۲)  
واژه «جنگ» (=چنگ) در مصرع نخست، اشتباه فاحش کاتب (یا مؤلف فرهنگ) است. این واژه در دیگر منابع به‌صورت «جگر» ضبط شده است. شکل نوشتاری «جنگ» و «جگر»، احتمالاً موجب بدخوانی و سپس ضبط چنین اشتباهی شده است.



## لیونکر از عشق تو لب تنگ کوی لشکره دارم در هر مزه تزی

شایان ذکر است که حسین زاده و هاشم مصرع دوم این بیت را چنین نوشته‌اند: «آتشکده دارم .... در هر مژه ژی» (نک: حسین زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۶۰). این خوانش اصلاً درست نیست. حرکت «ء» بالای حرف «ه» در نسخه‌های متقدم علاوه بر «ی»، معادل «ای» نیز هست.<sup>۷</sup> علاوه بر این ضبط مصرع دوم در فرهنگ قواس نیز به همین صورت است که ما قرائت کردیم<sup>۸</sup> (ن.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۲۵).

چه لطیف آید در وقت بهار بانگ دود و بانگ کبک و بانگ تز

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۷۲)

شاعر کبک  
باز در میان کبک و بانگ تز

در مصرع اول «چه» به احتمال زیاد تحریف واژه «چُن» چون است که شکل نوشتاری برخی از نسخه‌های خطی است. این شکل بروز گونه‌های محلی زبان فارسی در رسم‌الخط اهل قلم و کاتبان در واژه‌های دیگری نظیر سخون، سخن / دانشومند، دانشمند / دشخوار، دشوار نیز دیده می‌شود (نقل به تلخیص از: مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۲۰). در لغت فرس، فرهنگ قواس و دیگر منابع نیز ضبط «چون» آمده است (ن.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۷۰؛ قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۶۳). در مصرع دوم نیز واژه «دود»، ضبط تحریف شده «رود» است که به توضیح نیازی ندارد؛ ضمناً این بیت در دانشنامه قدرخان ذیل واژه «تز»، بدون نام شاعر آمده است (ر.ک: همانجا: حاشیه ۱۵).

### ۲-۱-۵ مواردی از تصحیف و تحریف در ضبط مدخلها

تصحیف و تحریف علاوه بر ضبط ابیات در برخی از مدخلهای دانشنامه قدرخان نیز مشاهده می‌شود. چند نمونه ذیل از مواردی است که کاتب یا مؤلف دچار خطای تصحیفی در ضبط لغات مدخلها شده‌است:

#### ■ ذیل واژه «کتور»

فاروقی در تعریف این واژه نوشته‌است: «کتور کندو بود»:

کاستی‌های عمده ابیات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

کتوب کند بود رودکی خطا بد

لذت‌آدم هر چه خا خستوت

لذت‌آدم نیز کند رودکی خطا بد

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۵۲)

واژه «کتور» در فرهنگها به صورت «کنور» ضبط شده و همین ضبط درست‌تر است (ر.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۴۱، ح ۱۹). ضبط «ختور» در مصرع نخست بیت نیز مصحف «خنور» است که در فرهنگها نیز به همین صورت یعنی «خنور»، ضبط شده است (ر.ک: همان: ۱۴۲، ح ۱؛ دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل خنور).

#### ■ ذیل واژه «بَنُغْلُوش»

فاروقی نوشته است: «بَنُغْلُوش گلی است از جنس سوسن آسمان‌گون نقط سیاه دارد» (فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۸۷):

بَنُغْلُوش گلی است از جنس آسمان‌گون  
نقط سیاه دارد رودکی کوی

حسین زاده و هاشم، این واژه را در حاشیه به صورت «نیغلوش» خوانده، و نوشته اند «در نسخه نیغلوش آمده است که در فرهنگنامه‌ها مشاهده نشد» (حسین زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۵۴، ح ۱).

در دیگر فرهنگها این واژه به صورت «پیلغوش»، ضبط شده (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل پیلغوش) و مسلماً مؤلف یا کاتب دچار خطا در خواندنش و مرتکب تصحیف و تحریف شده است.

#### ■ ذیل واژه «شبنوی»

فاروقی نوشته است: «شبنوی گلی است زرد و خوشبوی»:

شبنوی گلی است زرد و خوشبوی

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۲۲۵)

در فرهنگهای لغت این واژه دیده نمی‌شود. در اصل «شبنوی»، تصحیف واژه «شب‌بوی»

۱۴۳



فصلنامه پژوهشهای ادبی سال ۱۷ شماره ۷۰ زمستان ۱۳۹۹

است که در فرهنگ قواس به معنی گلی زردرنگ آمده است (ر.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۶؛ دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل شب بوی).

## ۲-۵ ایرادهای جدی در ضبط ابیات

همان‌طور که در آغاز این جستار بیان شد، نسخه خطی *دانشنامه قدرخان* از نظر ضبط ابیات شاعران پیشگام بویژه اشعار منسوب به رودکی بسیار ضعیف است. با توجه به تعدد اشتباهات و ایرادهای جدی در ضبط ابیات، کمتر موردی در آن دیده می‌شود که نسبت به دیگر منابع، ضبطی قابل توجه‌تر باشد؛ پس قاعدتاً در اینجا ما به دنبال رفع ایرادات فاحش و کشف ضبط‌های صحیح همسان با منابع کهن هستیم نه امیدوار به یافتن ضبطی تازه و اصیل.

اکنون به منظور تبیین نارساییهای ابیات مضبوط و پرهیز از افزایش حجم جستار به دسته‌بندی آنها و ذکر شواهدی از فرهنگ بسنده می‌شود.

### ۱-۲-۵ ضبط‌های بر ساخته

در میان نسخه‌ها و فرهنگهای بازمانده از نواحی هندوستان، برخی از مؤلفان، بیت، مصرع یا ضبط‌هایی را بدون هیچ پشتوانه‌ای به لحاظ نسخه‌شناسی به نام رودکی ضبط کرده‌اند. این‌گونه ضبط‌ها غالباً به چند دلیل رخ می‌دهد: نخستین دلیل، مخدوش بودن یک مصرع یا اسقاط آن در نسخه مورد استفاده کاتب یا مؤلف فرهنگ است. در این صورت گاهی کاتب از کتابت مصرع مخدوش خودداری می‌کند و متناسب با معنای مصرع نخست، خود مصرع دیگر را می‌سازد و جای خالی را پر می‌کند. از دیگر دلایلی که ممکن است کاتب بیت یا مصرعی را جعل کند یا تغییر دهد، وزن ناهموار بیت، غرابتهای سبکی، معنایی و ... است. در مواردی نیز ترتیب‌دادن اشعار مجعول و انتساب آنها به شاعران نامدار، ناشی از اغراض مادی یا سوءاستفاده‌های معنوی است؛ نظیر تبلیغ و ترویج آیین‌ها و فرقه‌های خاص (یکی از نمونه‌های بارز برای این مورد، کتاب *دساتیر آسمانی* است. در این باره رجوع کنید به: پورداود، ۱۳۲۶: ۱۷-۵۱).

در این باره می‌توان با بررسی دیگر فرهنگها و نسخه‌های آنها پژوهشی مستقل ترتیب داد. در بررسی فرهنگ *دانشنامه قدرخان*، متوجه برساختگی برخی از ابیات شدیم که ممکن است خود مؤلف یا مؤلفان منابع مورد استفاده او، موجب ورود این



کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان  
ایات به فرهنگ شده باشد. در ادامه دو مورد از این قسم ایات معرفی، و بقیه ایات در  
پژوهی مستقل بررسی خواهد شد:

ز دنیا دل خویش بردار و بنشین فروبند در را بفلج و پژاوند  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۴۵)

فاروقی این بیت را ذیل واژه «پژاوند» به معنی «چوبی باشد که پس در افکنند تا  
کسی باز نتواند کرد» به نام رودکی ضبط کرده است:

بناشد جزینا شد کبر در افکنند: الیونان  
نتواند کرد رودکی کوبید  
ز دنیا دل خویش بردار و بنشین  
فروبند در را بفلج و پژاوند

این بیت علاوه بر این فرهنگ در فرهنگهای دیگری نیز ضبط شده که در اغلب آنها  
به رودکی منسوب است. پس از این حیث ایرادی به فرهنگ وارد نیست؛ اما با مقایسه‌ای  
کلی بین منابع مستند این بیت، مشخص می‌شود که منابع متقدم و مهمتر (نظیر لغت  
فرس، صحاح الفرس، مجموعه الفرس و ...)، بیت را با ساختاری متفاوت تر ضبط کرده‌اند  
و همین اختلاف فاحش، موضوع بحث ما است.

در میان منابع مستند این بیت، ضبط زیر با اختلافاتی که ذیل آن می‌آید به نام رودکی  
آمده و در تصحیح‌های مختلف دیوان رودکی نیز همین صورت با برخی اختلافات جزء  
اشعار پراکنده رودکی نقل شده است:

دل از دنیا بردار و بخانه بنشین پست فرابند در خانه بفلج و بیژاوند  
(نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۵۵؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۲۲)

در لغت فرس تصحیح هرن، دبیرسیاقی، نسخه تحریر عبرت نائینی از روی لغت  
فرس نخجوانی<sup>۹</sup> و نسخه خطی ایندیا آفیس، ضبط بیت به همین صورت است (ن.ک):  
اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۲۸؛ همان، ۱۳۳۶: ۲۶؛ همان، ۱۳۶۵: ۷۲، ح ۸؛ همان، ۷۶۶ق: ص ۲۴۱؛ همان،  
۱۳۱۲: ۳۳). در لغت فرس تصحیح اقبال، مجتبیایی و صادقی، سفینه تبریز (نسخه مورخ  
۷۲۱ق)، نسخه‌های تحریر شده از روی نسخه (مورخ ۷۲۱ق) در دو کتابخانه مجلس (تحریر  
عبدالواهب حسینی) و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تحریر سعید نفیسی) و فرهنگ

مجموعه الفرس، ضبط بیت با اختلاف «فرو بند» در مصرع دوم همراه است (نک: همان، ۷۲۱ق: برگ ۳۰۸؛ همان، ۱۲۹۷: ۱۹؛ همان، ۱۳۱۴: برگ ۱۸؛ همان، ۱۳۱۹: ۸۷؛ همان، ۱۳۶۵: ۷۲؛ جاروتی، ۱۳۵۶: ۵۳). در لغت فرس نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیا ضبط مصرع دوم با اختلاف: «در خانه فرو بند» و در سه نسخه دیگر، که با این نسخه هم خانواده هستند، نیز این اختلاف به همراه برخی اختلافات ناچیز دیگر دیده می‌شود<sup>۱۱</sup> (نک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۵۵، ح ۳-۵؛ اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۷۲، ح ۸؛ همان، بی تا [الف]: برگ ۲۰؛ همان، بی تا [ج]: برگ ۱۴). در صحاح الفرس نیز این بیت با اختلاف «بردار بخانه» در مصرع نخست و «در خانه فرو بند بفلخ و» در مصرع دوم ضبط شده است (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۷۵).

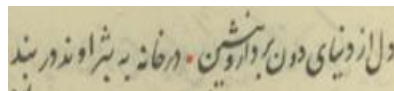
چنانکه گزارش شد در اغلب منابع، ضبط بیت به صورت یادشده، همراه با اختلافاتی در سطح یک یا چند واژه دیده می‌شود که از نظر ما پس از تصحیح، همین صورت می‌باید صورت درست بیت باشد؛ نه صورت منقول در *دانشنامه قدرخان*، اما درباره منشأ این اختلاف در فرهنگ باید به حدس و گمان بر اساس تجربه کار با نسخه‌های خطی فرهنگها متوسل شد.

از نظر ما چون غالب فرهنگ‌نویسان برای تحریر فرهنگهای خود به یک یا چند نسخه از لغت فرس اسدی دسترسی داشته‌اند، می‌توان این گونه قلمداد کرد که نسخه (یا نسخه‌های) مورد استفاده فاروقی ایرادات و به همین دلیل وی شخصاً در ضبط بیت دست برده و آن را تصحیح کرده است. یکی از نشانه‌هایی که ذهن ما را به این فرضیه سوق می‌دهد و احتمال آن را بیشتر می‌کند، ضبط متفاوت دو فرهنگ دیگر (فرهنگ *قواس* و *عجایب اللغه*) است که نشان می‌دهد در این دو فرهنگ نیز این اتفاق رخ داده است و مؤلفان این دو فرهنگ نیز بیت را تصحیح کرده‌اند. در فرهنگ *قواس* ضبط بیت چنین است:

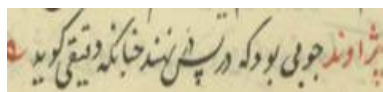
بردار دل از دنیا بنشین تو به‌خانه خویش      بر بند در خانه بفلج و پیژاوند  
(قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۲۷)

ادیبی نیز در فرهنگ *عجایب اللغه* این بیت را با ضبطی متفاوت به نام دقیقی آورده است:

دل از دنیای دون بردار و بنشین      در خانه به پیژاوند در بند  
(ادیبی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۶)



کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان



(ادیبی، بی تا، ۲۶-۲۷)

این احتمال که هر سه مؤلف از آنجا که وزن بیت را سنگین دیده‌اند، آن را به گونه‌ای روانتر کرده باشند.

■ پای‌شان در رکاب سیم‌اندود پای آزادگان نیابد سر

(فاروقی، ۸۱۱: برگ ۵۸)

فاروقی این بیت را ذیل واژه «سر» به معنی «کفشی بود که از ریسمان و پشم سازند» به نام رودکی ضبط کرده است:

کفشی بود که لذت‌بخش و پیش‌مان رودکی  
بای‌شان در رکاب سیم‌اندود پای آزادگان نیابد سر

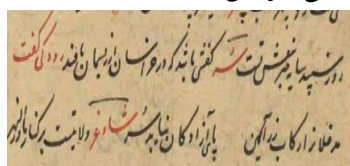
علاوه بر این فرهنگ در فرهنگ قواس و مدارالافاضل<sup>۱۱</sup> نیز بیت مورد بحث به همین صورت ضبط شده است (نک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۵۵؛ فیضی سرهندی، ۱۳۳۷: ۲/۳۳۴)؛ اما صورت دیگر بیت، که در برخی فرهنگهای لغت به شاهد واژه «سر»، آمده و نفیسی در هر دو چاپ آن را نقل کرده به صورت زیر است:

مدخلان را رکاب زراگین پای آزادگان نیابد سر

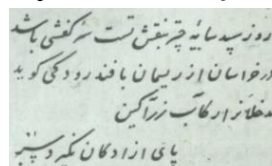
۱۴۷

(نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۵۱؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۲۳)

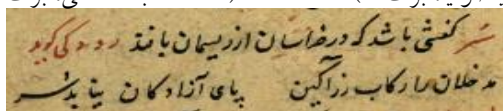
اقبال در تصحیح لغت فرس این بیت را از نسخه خطی (مورخ ۸۷۷ق)، نقل کرده (نک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۴۸) و در سه نسخه دیگر هم خانواده با آن: نسخه‌های خطی کتابخانه ایاصوفیا<sup>۱۲</sup>، دانشگاه تهران و کتابخانه ملی نیز این بیت ضبط شده است:



(نسخه کتابخانه ملی، برگ ۲۲)

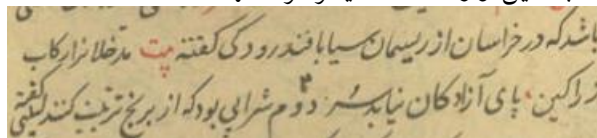


(نسخه کتابخانه ایاصوفیا، برگ ۳۷)



(نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، برگ ۲۸)

هم‌چنین در برخی دیگر از فرهنگ‌های لغت نیز این بیت ضبط شده که موضع اختلاف تنها در ضبط واژه «مدخلان» است (ن.ک: نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۰۷؛ وفایی، ۱۰۰۱ق: برگ ۳۱؛ وفایی، ۱۳۷۴: ۱۱۸؛ تتوی، ۱۳۳۷: ۸۴۴؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۷۳۴). این واژه در فرهنگ وفایی با اختلاف «مرجلان» ضبط شده؛ اما در نسخه خطی مورخ (۱۰۰۱ق)، ضبط این واژه همانند دیگر فرهنگها است:



(وفایی، ۱۰۰۱ق: برگ ۳۱)

هم‌چنین و در فرهنگ مدرسه علوم سیاسی (به نقل از نفیسی) این واژه با اختلاف «منجلان»، ضبط شده است. نفیسی درباره ضبط اخیر در حاشیه چاپ نخست احوال و اشعار رودکی نوشته است: «در ۳۰ (فرهنگ مدرسه علوم سیاسی)، «منجلان» و ظاهراً «مبخلان» درست تر باشد» (نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۵۱، ح ۵). در نسخه خطی صحاح الفرس متعلق به دهخدا نیز این واژه با اختلاف «مرخلان»، ضبط شده است و استاد فروزانفر نیز حدس زده‌اند شاید «مر فلان را» باشد (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۰۷، ح ۷).

در لغت‌نامه واژه «مدخل» به معنی «پست و فرومایه»، همراه با شواهد شعری دیگری از شاعران پیشگام و بیتی دیگر منسوب به رودکی آمده است (ن.ک: دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل مدخل). با وجود این «مدخل» یا «مبخل»، هر دو اگر تعریفی از یک واژه اصیل پارسی نباشد در بیت با همین معنا صحیح است؛ یعنی شاعر قصد داشته است تا «بخیلان فرومایه» را با «آزادگان» مقابله و مقایسه کند.

در بیت مورد بحث از دانشنامه قدرخان و دو فرهنگ دیگر، دستکاری در مصرع نخست و برساخته بودن آن از چند جهت کاملاً محرز است: اول اینکه در مصرع نخست «پایشان» هیچ تضادی با «آزادگان» برقرار نمی‌کند. دودیگر «سیم‌اندود» با «زرآگین» تقریباً دو ضبط همدریف و هم‌خانواده است؛ اما دو کارکرد متفاوت دارد؛ پس در اینجا نکته تازه‌ای دیده نمی‌شود و ضبط «سیم‌اندود»، چیزی جز دستکاری کاتب نیست. بنابراین در مجموع، مصرع نخست برساخته یکی از کاتبان هم‌زمان یا پیش از فرهنگ قواس است؛ نه مصرعی تازه از رودکی.

کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

## ۲-۵ حذف و افتادگی یک یا چند واژه در ضبط ایات

حذف یا اسقاط (افتادگی) در ضبط نسخه‌های خطی به چند دلیل رخ می‌دهد. از دلایل عمده آن می‌توان به بی‌سوادی یا کم‌سوادی کاتب، بی‌دقتی، آسیب‌دیدگی نسخه مورد استفاده کاتب و ... اشاره کرد. البته این قسم اختلافات در نسخه‌های خطی، عادی است و حتی با کیفیت‌ترین نسخه‌های خطی نیز از چنین اشتباهی مصون نیست؛ اما درباره این فرهنگ، فراوانی این اشتباهات در مقابل حجم کم مطالب درخور توجه است به گونه‌ای که پیداست کاتب، فردی کم‌سواد یا بی‌دقت بوده یا از سر تعجیل در نوشتن، مرتکب چنین خطاهایی شده‌است. در ادامه برخی از نمونه‌های حذف و افتادگی در ضبط ایات بررسی می‌شود:

### پیر فرتوت گشته بودم [سخت] دولت او مرا نمود جوان

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۲۵)

مطابق ضبط نسخ لغت فرس، بعد از واژه «بودم»، واژه «سخت»، از نسخه افتاده است (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۱۴؛ همان، ۱۳۱۹: ۳۵؛ همان، ۱۳۳۶: ۱۶). هم‌چنین در مصرع دوم «نمود»، درست نیست. دیگر منابع به صورت «بکرد» ضبط کرده‌اند که درست‌تر است.

شایان ذکر است که حسین‌زاده و هاشم، بدون ذکر اختلاف نسخه، واژه «سخت» را به مصرع نخست افزوده‌اند (ن.ک: حسین‌زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۵۰).

### چون گل سرخ از میان ینغلوش یا چو زرین گوشوار [از] خوب گوش

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۸۷)

چون گل سرخ از میان ینغلوش

یا چو زرین گوشوار [از] خوب گوش

در مصرع دوم این بیت «از» ضبط نشده‌است. ضبط درست بیت با توجه به منابع دیگر به صورت «گوشوار از خوب گوش» است (ن.ک: نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۳۶). هم‌چنین درباره ضبط «ینغلوش»، پیش از این صحبت شد.

## ۳-۲-۵ دستکاریهای سبکی

اگرچه تصرفات سبکی در اغلب نسخه‌های خطی به چشم می‌خورد، اوج آن در نسخه‌های



قرن ۸ق به بعد دیده می‌شود. کاتبان، مالکان و مصححان (افرادی که در حاشیه ضبط‌های دیگری را پیشنهاد می‌کنند) دیوان و آثار کهن در سده‌های هشتم و نهم و پس از آن به عللی که ذکر آنها از حوصله این مقال خارج است به تغییر و تصرف ضبط‌ها و نگارش‌های کهن، مطابق با پسند روزگار خود دست می‌زدند.

دستکاری‌های سبکی، گاه در معنی بیت تأثیرگذار است و گاه در فرم آن. در مواردی از دستکاری‌های سبکی که به فرم اشعار کهن آسیب وارد می‌شود، ویژگی‌های خاص سبکی یک دوره نظیر قواعد دستوری، املا و واژگان و برخی مسائل دیگر به صورت‌های جدیدتر تغییر می‌یابد. این تغییرات ممکن است طی فرآیندی طولانی و گاه، مستقیم از جانب مؤلف، کاتب یا مالک نسخه به وجود بیاید. در نمونه‌های زیر این دستکاری‌ها در نسخه خطی *دانشنامه قدرخان* بخوبی مشخص است.

رفیقا چند گویی کو نشاط است کسی نگریزد از گرم آفروشه

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۲۱۳)

لغز نشه فیعی از حال یون رود کج خیار  
درفقا چند بی کو نشاط است  
کسی نگرین از گرم آفروشه

مصرع دوم این بیت در منابع مختلف از جمله لغت فرس، فرهنگ حلیمی<sup>۱۳</sup> به این صورت ضبط شده است: «بنگریزد کس از گرم آفروشه» (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۴۹۱؛ حلیمی<sup>۱۴</sup>، بی تا: برگ ۱۱۵). «بنگریزد» مرکب از «ب» (جزء صرفی<sup>۱۵</sup> مختص دوره تکوین زبان فارسی) + «ن» (حرف نفی) + «گریزد» (فعل مضارع سوم شخص) = «نمی‌گریزد» (فعل مضارع اخباری منفی) است. این ساخت در دستور کهن بسیار رواج داشته اما مؤلف فرهنگ یا منابع مورد استفاده وی، این ساخت را با جابه‌جایی «کس» و «نگریزد»، برهم زده است.

شایان ذکر است که فیضی سرهندی نیز ضبطی مشابه با *دانشنامه قدرخان*: «کسی بگریزد» را آورده (فیضی سرهندی، ۱۳۳۷: ۱/۱۱) و مشخص است که به احتمال زیاد هر دو از یک منبع برای ضبط بیت استفاده کرده‌اند. هم‌چنین احتمال استفاده سرهندی از فرهنگ مورد بحث نیز متفی نیست.

\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

ضمناً دو ایراد دیگر در ضبط فرهنگ مورد بحث و مدارالافاضل دیده می‌شود: نخست اینکه «آفروشه» به همین صورت درست است؛ حال اینکه مؤلف هر دو فرهنگ به صورت «آفروشه» ضبط کرده است که هم از نظر لغوی و هم از نظر وزنی مناسب با بیت مورد بحث نیست. دوم ضبط «نشاط است»، کاملاً اشتباه است و علاوه بر بی‌معنایی، مخلّ روانی وزن بیت نیز هست.

■ کیاننش آتشی پنداشتند پشته هیزم برو برداشتند

(فاروقی، ۱۱۱ق: برگ ۱۰۰)

فاروقی ذیل «شب چراغک و آتشک»، این بیت را به نام رودکی ضبط کرده است:

کیاننش آتشی پنداشتند

پشته هیزم برو برداشتند

ضبط مصرع نخست در منابع دیگر چنین است: «کیاننش آتش همی پنداشتند» (ن.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۳۵؛ همان، ۱۳۶۵: ۳۵؛ قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۶۵؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۳۸-۳۹). در سه منبع دیگر نیز به جای «کیاننش»، ضبط «کیان»، آمده است (ن.ک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۷؛ همان، ۱۳۳۶: ۶؛ حلیمی، بی تا: برگ ۱۰۹).

مؤلف با حذف «همی» (پیشوند تأکیدی فعل) و افزودن «ی» (پسوند نکره‌ساز) به «آتش»، علاوه بر اینکه یک ویژگی سبکی در ضبط بیت را حذف کرده، قرائت بیت را نیز تغییر داده است.

#### ۴-۲-۵ ایرادهای وزنی

علاوه بر این موارد در ضبط نادرست ایات منسوب به رودکی، کاتب (یا مؤلف) در ضبط ایات دچار سهوهای زیادی از نظر وزن مصرع‌ها شده است. عمده این اختلافات وزنی بین دو مصرع، ناشی از حذف یا جا افتادگی یک واژه یا ضبط نادرست برخی واژه‌ها است (به عنوان مثال بنگرید به شواهدی که در بحث پیشین یعنی «حذف و افتادگی یک یا چند واژه در ضبط ایات» آوردیم).

#### ۳-۵ انتسابهای نادرست

یکی از ایرادهای عمده این فرهنگ، که بر دیوان رودکی به تصحیح براگینسکی، میرزایف،



نفیزی و به دنبال این سه بر دیگر دیوان‌های چاپی تأثیر بسیار زیادی داشته، انتساب نادرست برخی از ابیات شاعران دیگر به رودکی است. هم‌چنین در این فرهنگ، ابیاتی که در منابع متقدم نظیر لغت فرس اسدی و دیگر فرهنگهای لغت، بارها به نام رودکی آمده به شاعرانی دیگر نظیر ابوشکور بلخی، کسای و فرخی سیستانی منسوب شده است.

بجز این دو ایراد، کاستی دیگر فرهنگ در انتساب ابیات، نقل ابیاتی از رودکی بدون نام سراینده با عناوینی چون «شاعر»، «بزرگی» و ... است. برخی از این ابیات قدر مسلم از رودکی است و نام شاعر با توجه به منابع مورد استفاده مؤلف می‌بایست ذکر می‌شد. مواردی از این سه ایراد در ادامه بررسی خواهیم شد.

### ۱-۳-۵- انتساب نادرست ابیاتی از دیگر شاعران به رودکی

انتساب اشتباه ابیاتی از دیگر شاعران به نام رودکی، تنها مختص این فرهنگ نیست. تقریباً بیشتر منابع مستند اشعار رودکی بویژه فرهنگهای لغت، این ایراد را دارد. به گونه‌ای که اگر بخواهیم ابیات دیگر شاعران را از چاپهای مختلف دیوان رودکی حذف کنیم، جز مواردی معدود از اشعار اصیل رودکی برای ما باقی نخواهد ماند؛ به همین منظور برای رسیدن به ابیات اصیل رودکی، نیازمند بررسی بیشتر منابع و بررسی کیفیت علمی آنها هستیم. حتی اگر ما به بیتی منحصر به فرد و منسوب به رودکی برخوردیم در مرحله اول و پیش از نقل آن جزء سروده‌های شاعر، می‌باید جانب احتیاط را به تمامی رعایت کنیم؛ یعنی آن سروده را پس از بررسی و تطبیق با مختصات زبانی عصر شاعر با ویژگیهای سبک فردی او تطابق دهیم؛ اصالت منبع حاوی بیت را بررسییم و .. نهایتاً آن را جزء سروده‌های مسلم نقل کنیم.

در *دانشنامه قدرخان* تعدادی از ابیاتی که در منابع بارها به نام شاعرانی دیگر نقل شده از رودکی دانسته شده است. البته برای رد این انتسابها به دلیل بررسیهای دقیق و علمی، که لازمه آن است، قطعاً به پژوهشی جدا برای یکایک آنها نیازاست؛ با وجود این به دلیل گستردگی بحث، یک بیت نمونه‌وار در این بخش بررسی، و بقیه به پژوهشی دیگر موکول می‌شود.

میفکنی خورش خویش را ز بی‌خردی که پر کنی ز پلیدی چوماکیان تو کژار

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۶۰)



\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

فاروقی این بیت را ذیل واژه «کُژار» به معنی «حوصله مرغ»، به نام رودکی نقل کرده است:

کُژار و مرغ حاصل من چون روزی که فریاد

می‌فکنی خورش پاک را ز بی‌اصلی

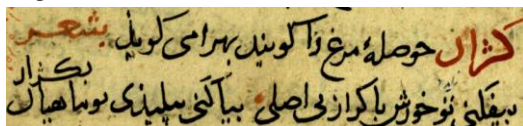
که بیگنی پیلیدی ماهیان بکُژار

در نسخه اساس فرهنگ قواس نیز این بیت با اختلاف «نیفکنی خورش خود همی ز بی‌خوردی» (قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۶۴، ح ۱۲) در مصرع نخست و «بیآگنی ز پیلیدی» (همان: ۶۴)، در مصرع دوم ضبط شده است.<sup>۱۶</sup> در این فرهنگ نیز بیت مورد بحث به رودکی منسوب است؛ اما مصحح در حاشیه به انتساب اشتباه بیت اشاره کرده است (ر.ک: همان: ۶۴، ح ۱۱)؛ زیرا در منابع دیگر بجز این دو، بیت با ضبطی دیگر به بهرامی منسوب است.

در لغت فرس اسدی نسخه خطی نخجوانی ضبط بیت عیناً بدین صورت است:

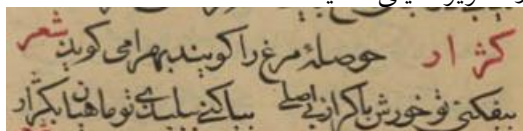
بیفکنی تو خورش پاک را ز بی‌اصلی بیآگنی پیلیدی تو ماهیان بکُژار

(اسدی طوسی، ۷۶۶ق: ۲۵۳)



(حل مشکلات پارسی دری، نسخه خطی لغت فرس مورخ ۷۶۶ق، کتابخانه ملی تبریز، ص ۳۶۱)

همین ضبط نیز در تحریر نائینی<sup>۱۷</sup> عیناً آمده است:



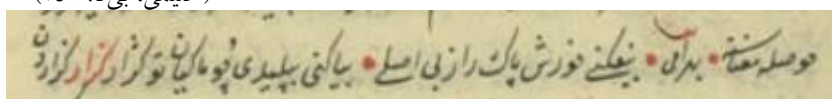
(اسدی طوسی، ۱۳۱۲: ۴۳)

با وجود این، اقبال در تصحیح لغت فرس، ضبط مصرع دوم را بدون گزارش اختلاف نسخه مورد استفاده خود (یعنی نسخه نخجوانی، یکی از دو تحریر اصلی (مورخ ۷۶۶ق) یا تحریر نائینی (مورخ ۱۳۱۲ش) که بیت را تنها از آنجا نقل کرده) بدین صورت ضبط کرده است «بیآگنی پیلیدی ماهیان تو کُژار» (همان، ۱۳۱۹: ۱۵۰-۱۵۱). مدبری نیز همین ضبط اقبال را ذیل اشعار بهرامی سرخسی در کتاب شاعران بی‌دیوان نقل کرده است (ن.ک: مدبری، ۱۳۷۰: ۴۰۶).



در دیگر فرهنگها از جمله صحاح الفرس، فرهنگ حلیمی، فرهنگ وفایی، ضبط دیگری مشاهده می‌شود که البته با توجه به معنای بیت، فعلا می‌تواند ضبط بهتری نسبت به دیگر ضبطها باشد:

بیفکنی خورش پاک را ز بی اصلی بیانگی پیلیدی چو ماکیان تو کزار  
(حلیمی، بی تا: ۱۴۵)



(نعت حلیمی، نسخه کتابخانه مجلس، بی تا، برگ ۱۴۵)

هم چنین رجوع کنید به: (نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۱۳؛ وفایی<sup>۱۸</sup>، ۱۰۰۱: ۱۰۱؛ برگ ۳۳). در برخی از فرهنگها بیتی از عنصری به شاهد واژه «ژاغر»، آمده است که مصرع دوم آن به مصرع دوم بیت مورد بحث ما بی شباهت نیست:

خوردند از آنکه<sup>۱۹</sup> بماند ز من ملوک زمین تو از پیلیدی و مردار پر کنی ژاغر  
(اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۹۳)

(هم چنین ر.ک: همان، ۱۳۱۹: ۱۲۹؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۰۶؛ قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۶۴).

### ۲-۳-۵ انتساب نادرست ابیاتی از رودکی به دیگر شاعران

مطابق بررسیهای ما، تعدادی از ابیات مسلم رودکی در این فرهنگ به نام شاعرانی دیگر ثبت شده است. از این قسم ابیات در ادامه چهار مورد بررسی می‌شود که دو بیت اشتباهاً به نام ابوشکور بلخی، یک بیت به نام کسایی و بیتی دیگر به نام فرخی ضبط شده است:

شد به گرمابه درون استاد غوشت بود فربه و کلان بسیار گوشت  
(فاروقی، ۱۱۱: ۲۶)

فاروقی این بیت را ذیل واژه «غوشت»، به معنی «برهنه مادرزاد» به نام فرخی ضبط کرده است:

غوشته برهنه مادرزاد بود فرخی گوید

شد یکباره دره لسته غوشته

بود فربه کلان بسیار گوشت

کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان  
اما این بیت قطعاً از مثنوی سندبادنامه منظوم رودکی است و در منابع متعددی از  
جمله لغت فرس، صحاح‌الفرس، فرهنگ حلیمی و ... نیز ذیل واژه «گوشت» به نام وی  
نقل شده است:

گفت هنگامی یکی شهزاده بود گوهری و پرهیز آزاده بود  
شد به‌گرمابه درون یک روز گوشت بود فربی و کلان و خوب گوشت  
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۳۳)

موضع بیت نیز به حکایت «مرد گرماوه‌بان با زن خویش و شاهزاده» در سندبادنامه  
ظهیری سمرقندی مربوط است (ر.ک: ظهیری سمرقندی، ۱۹۴۸: ۱۷۳).

امروز به اقبال تو ای میر خراسان هم نعمت و هم روی نکو دارم و سناد  
(فاروقی، ۱۱۱ق: برگ ۴۶)

فاروقی این بیت را ذیل واژه «وسناد»، به معنی «بسیار» به نام ابوشکور ضبط کرده  
است:

سُنَدِکَ مَعْنَى بِيَارِ بَدَنِ ابوشکور است  
امروز با اقبال تو ای میر خراسان  
به هم نعمت و هم روی نکو دارم

۱۵۵



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۷ شماره ۷، زمستان ۱۳۹۹

در اغلب فرهنگ‌های شعری از جمله لغت فرس اسدی، صحاح‌الفرس و ... این بیت  
به شاهد واژه «وسناد» به نام رودکی نقل شده است و همه این منابع بر سر نام شاعر  
متفق‌القول هستند (ن.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۹۹۹؛ ۱۳۴۱: ۵۰۱؛ اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۳۴؛ همان، ۱۳۱۹:  
۱۰۶؛ همان، ۱۳۳۶: ۴۶؛ همان، ۱۳۶۵: ۷۹؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۹۵؛ وفایی، ۱۳۷۴: ۲۱۱؛ تتوی، ۱۳۳۷:  
۱۴۶۱؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۱۴۸۱؛ حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۳۴۳؛ فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار،  
۱۳۸۰: ۲۴۳).

این ایفده سری چه به کار آید ای پسر در باب ۲۰ دانش و [خرد] سخن بیهوده مگو  
(فاروقی، ۱۱۱ق: برگ ۱۸۹-۱۹۰)

فاروقی این بیت را ذیل واژه «ایفده» به معنی «بیهوده‌گوی و سبکسار»، به ابوشکور  
منسوب کرده است:

ایفده بیهوره کویک و کسار و کوندا  
 ابوشکور کویک  
 اینر ایفده بیهوره کویک و کسار و کوندا  
 ابوشکور کویک  
 کوشا حراک نون منون کولده  
 یکتیت بنای کوندا کوشا حراک

علاوه بر دانشنامه قدرخان در فرهنگ قواس نیز این بیت با اختلاف «بچه کار آید» به نام ابوشکور ضبط شده است (ن.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۰۹). هم‌چنین در فرهنگ مدارالافاضل، این بیت با اختلاف «بچه کار آمده ترا» در مصرع نخست و «سخنی بیهوده مگوی» در مصرع دوم بدون نام سراینده (با نام استاد)، ضبط شده است (فیضی سرهندی، ۱۳۳۷: ۱/۱۵۳).

در منابع دیگر از جمله لغت فرس، صحاح الفرس، لغت حلیمی، فرهنگ وفایی و ... بیت با اختلافاتی به نام رودکی ضبط شده است:

این ایفده سری به چه کار آید ای فتی در باب دانش این سخن بیهده مگوی (نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۳۵؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۱۳)

(هم‌چنین بنگرید به: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۲۷؛ همان، ۱۳۱۹: ۴۸۸؛ همان، ۱۳۳۶: ۳۴؛ نجوانی، ۱۳۴۱: ۲۶۳؛ حلیمی، بی تا، برگ ۱۸؛ وفایی، ۱۳۷۴: ۲۷).

پس از آنجا که بیت مورد بحث در نسخه‌های خطی لغت فرس و دیگر فرهنگهای معتبرتر به نام رودکی آمده است، فعلاً انتساب آن به ابوشکور در این فرهنگ، توجیه متن شناختی ندارد مگر اینکه در آینده منابعی به دست ما برسد که دور از سرزمین هندوستان و بدون تأثیر پذیری از این دو فرهنگ، آن را به نام ابوشکور ثبت کرده باشند.

یخچه بارید [و] پای من بفشرد  
 ورغ ریزند یخچه را ز فلک  
 (فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۱۹۶)

فاروقی این بیت را ذیل واژه «یخچه و سنگچه» به معنی «ژاله» به نام کسای ضبط کرده است:

یخچه بیکه ژاله بند کسای کویک  
 خاتای کویک  
 یخچه بارید پای من بفشرد  
 ورغ ریزند یخچه را ز فلک

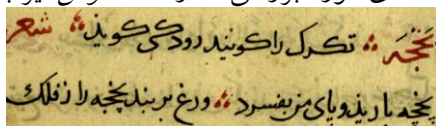
\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

در فرهنگ قواس و مدارالفاضل نیز این بیت ذیل همان واژه آمده؛ اما نام سراینده در هر دو منبع مشخص نشده است (ن.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۲۰-۲۱؛ فیضی سرهندی، ۱۳۳۷: ۴/۴۴۹). ضمناً ضبط بیت در این دو منبع بدین صورت است:

در فرهنگ قواس مصرع نخست در نسخه اساس همانند ضبط فاروقی بدون واو است (ن.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۲۱، ج ۱ و ۲). مصرع دوم نیز در این فرهنگ با اختلاف: «ورغ بر بند»، ضبط شده است. در مدارالفاضل نیز مصرع نخست با اختلاف «بارید و پای من نفسرد» و مصرع دوم به گونه‌ای مغشوش «ورغ بار بند بخچه زار فلک»، ضبط شده است. در منابع دیگر از جمله لغت فرس و فرهنگ وفایی، این بیت به نام رودکی ضبط شده است. در دو خانواده از نسخه‌های لغت فرس، ضبط بیت بدین صورت است:

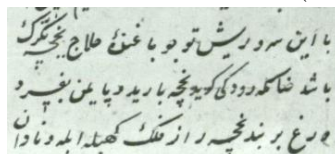
بخچه بارید و پای من نفسرد      ورغ بر بند بخچه زار فلک  
(اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۴۵۵)

ضبط این بیت در نسخه‌های مورد بررسی ما از لغت فرس نیز بدین صورت است:



(همان، ۱۳۶۶: ۳۵۷)

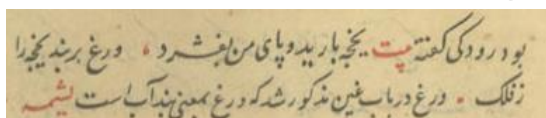
(هم‌چنین ن.ک: همان، ۱۳۱۲: ۱۵۷).



(همان، بی تا [الف]: برگ ۹۵)

(هم‌چنین ن.ک: همان، بی تا [ب]: برگ ۶۸؛ همان، بی تا [ج]: برگ ۵۳)

در فرهنگ وفایی تصحیح تن هوی جو این بیت با اختلاف «ورغ<sup>۲۱</sup> بر بند بخچه زار فلک»، ضبط شده است (وفایی، ۱۳۷۴: ۲۲۳). در نسخه مورخ (۱۰۰۱ق) از این فرهنگ، بیت همانند نسخه‌های یاد شده از لغت فرس ضبط شده جز اینکه «بفسرد» به صورت «بفسرد»، ضبط شده است:



(وفایی، ۱۰۰۱ق: برگ ۱۱۲)



نفیسی این بیت را در هر دو چاپ دیوان رودکی در بخش ابیات متصل به هم به همراه بیت دیگری منسوب به رودکی به عنوان یک قطعه نقل کرده است<sup>۲۲</sup> (نک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۰۵؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۰۴). همچنین در دیوان کسایی این بیت نیامده است و نشان می‌دهد که ریاحی در منابع مورد استفاده خود نیز این بیت را به نام کسایی نیافته است. با این گزارش، مشخص است که انتساب بیت مورد بحث به نام «کسایی»، ناشی از ضعف مؤلف یا کاتب در نگارش فرهنگ است؛ زیرا در دو خانواده از نسخ خطی لغت فرس (نسخه‌های زیرمجموعه نسخه ملک‌الکلامی مورخ ۸۷۷ق و نسخه‌های زیرمجموعه نسخه نخجوانی مورخ ۷۶۶ق)<sup>۲۳</sup>، این بیت به نام رودکی آمده و در فرهنگ وفایی نیز این انتساب با توجه به نسخ لغت فرس یا فرهنگ صحاح‌الفرس آمده که به نسبت دیگر منابع در استناددهی قابل اعتمادتر است.

### ۳-۵- ابیاتی بدون ذکر نام شاعر متعلق به رودکی

در مجموع اوراق مورد بررسی ما از دستنویس دانشنامه قدرخان، تعدادی از ابیات بدون نام سراینده با عناوین «شاعر»، «بزرگی» و ... آمده که از این مقدار، شش بیت در منابع دیگر به نام رودکی ثبت شده است.

از آنجا که در عمده منابع لغت پیش از فرهنگنامه قدرخان (نظیر لغت فرس) نام شاعر صراحتاً رودکی آمده عدم ذکر نام شاعر بیت در این نسخه یکی از کاستی‌های آن به‌شمار می‌رود.

شایان ذکر است که برخی از پژوهشگران در بررسی و مستندسازی ابیات منسوب به رودکی، ابیات ذیل را از قلم انداخته‌اند؛ به عنوان مثال، نفیسی این ابیات را در دیوان به فرهنگنامه قدرخان استناد نداده است یا حسین‌زاده و هاشم، که تمامی شواهد منسوب به رودکی را از این فرهنگ استخراج کرده‌اند از ذکر این ابیات غفلت ورزیده‌اند:

نیک او را نشانه‌دار شده است بد او [را] کمرت نیک بنتج  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۲۹)

بود شخ لشنزین شاعر کید  
نیک لیلان شازین نون  
بد لکم نیک بنتج

\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ایات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

در برخی فرهنگهای لغت نظیر لغت فرس اسدی، لغت حلیمی، تحفه الاحباب و...، این بیت به همراه بیتی دیگر با اختلافاتی در ضبط به نام رودکی ثبت شده است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۹۵؛ اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۱۶؛ همان، ۱۳۱۹: ۵۵؛ همان، ۱۳۳۶: ۱۹؛ همان، ۱۳۶۵: ۵۳؛ حلیمی، بی تا، برگ ۴۹؛ حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۱۰۳؛ فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ۷۱).  
شایان ذکر است که بیت نخست این قطعه در همین فرهنگ ذیل واژه «سینج» به نام رودکی ضبط شده است.

راه آسان و راست بر ای دوست دور شو از ره بی کرانه و ترفنج  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۳۲ - ۳۳)

نمُج لُفون تَمرون ترفنج ره بایک ره لسان دلدان ترفنج  
دندول بید شاکوید  
در تولا زوینا کرانه و ترفنج

فاروقی ذیل واژه «ترفنج»، این بیت ناموزون را بدون نام سراینده ضبط کرده است. در نسخه اصلی فرهنگ قواس نیز نام شاعر ذکر نشده و مصحح براساس لغت فرس و صحاح الفرس نام رودکی را به متن افزوده است (ن.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۳۴، ح ۳). (برای بررسی بیشتر ضبط و استناد بیت به نام رودکی بنگرید به: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۱۷؛ همان، ۱۳۱۹: ۶۹؛ همان، ۱۳۳۶: ۲۱؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۵۱؛ نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۵۴؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۲۱).

سوس پرورده بمی بگداخته جوب داروئی زنانرا ساخته  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۶۱)

سوسا حانزیت کیران پرفنج خورد  
و نوبت نبر کنید شاکوید  
سوس پرورده بمی بگداخته جوب داروئی زنانرا ساخته

فاروقی این بیت را ذیل واژه «سوسمار» بدون ذکر نام سراینده آن آورده است. در فرهنگ قواس نیز ذیل واژه «سوسمار» به همین نحو، بدون نام شاعر ضبط شده است (قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۷۲). در دیگر منابع از جمله صحاح الفرس، فرهنگ رشیدی، فرهنگ جهانگیری، مجمع الفرس و...، این بیت به نام رودکی ضبط شده است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۹۲؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۳۹؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۴۴؛ حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۱۹۷؛ تنوی، ۱۳۳۷: ۸۸۹؛ جمال‌الدین انجو، ۱۳۵۹: ۲۰۲۸؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۷۵۲).

موضع اصلی این بیت در باب «بازجست کار دمنه» از کتاب کلیله و دمنه (داستانهای

بیدپای) آمده است (در این باره بنگرید به: رودکی، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

آن زن از دوکان فرود آمد چو باد پس فلرزنگش به دست اندر نهاد  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۱۰۲)

کیند بزیک کید  
لنز لزدوکان فرود آمد چو باد

بفلرزنگش بنز لزدوکان

فاروقی این بیت را ذیل واژه «فلرزنگ»، بدون نام سراینده با عنوان «بزرگی»، آورده است. در دیگر فرهنگ‌های لغت این بیت به همراه دو بیت دیگر از *سندبادنامه* منظوم رودکی، ذیل واژه «فلرز»، ضبط شده است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۷۷؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۳۲؛ اسدی طوسی ۱۸۹۷، ۲: ۳۸؛ همان، ۱۳۱۹: ۱۷۲؛ همان، ۱۳۳۶: ۵۲؛ همان، ۱۳۶۵: ۱۱۳؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۲۹؛ حلیمی، بی‌تا: برگ ۱۳۱؛ وفایی، ۱۳۷۴: ۱۵۱؛ تتوی، ۱۳۳۷: ۱۰۵۴؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۹۶۷؛ جمال‌الدین انجو، ۱۳۵۹: ۱۶۳۶؛ حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۲۵۳؛ فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ۱۷۴؛ ادیبی، ۱۳۸۹: ۵۳). (درباره موضع داستان بیت در *سندبادنامه* بنگرید به: رودکی، ۱۳۹۱: ۱۷۴).

بانگ زله کر خواهد کرد گوش زانک ناساید به گرما از خروش  
(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۱۷۳)

کر باها باشد بزیک کید  
بانزل کر خواهد کرد گوش

زانک ناساید به گرما از خروش

فاروقی این بیت را ذیل واژه «زله»، بدون نام شاعر با عنوان «بزرگی»، آورده است. در فرهنگ *قواس و فرهنگ مدارالافضل* ذیل همین واژه، بیت با اختلافاتی به نام رودکی ضبط شده است (قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۶۶؛ فیضی سرهندی، ۱۳۳۷: ۲۳۸۱). در منابع دیگر نیز بیت مورد بحث به نام رودکی ضبط شده و در دو فرهنگ اسدی تصحیح هرن و فرهنگ لغت حلیمی، یک بیت دیگر به همراه این بیت آمده است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۷۹؛ همان، ۱۳۴۱: ۵۳۳؛ اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۸۵؛ همان، ۱۳۱۹: ۴۹۴؛ همان، ۱۳۳۶: ۱۲۶؛ حلیمی، بی‌تا: برگ ۹۱؛ تتوی، ۱۳۳۷: ۷۹۰؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۶۹۳؛ جمال‌الدین انجو، ۱۳۵۹: ۱۲۶۱). (درباره موضع داستان این بیت در *سندبادنامه* بنگرید به: رودکی، ۱۳۹۱: ۱۷۶).



\_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده‌ی ابیات رودکی مضبوط در نسخه‌ی خطی فرهنگ دانشنامه‌ی قدرخان

### چه لطیف آید در وقت بهار بانگ دود و بانگ کبک و بانگ تز

(فاروقی، ۸۱۱ق: برگ ۷۲)

فاروقی این بیت را ذیل واژه «تز» بدون نام شاعر آورده؛ اما با توجه به دیگر منابع قطعاً از رودکی است. نفیسی نیز با استناد به ۱۳ منبع از جمله لغت فرس اسدی، صحاح/الفرس و دیگر فرهنگهای لغت، این بیت را جزء ابیات پراکنده‌ی رودکی آورده است (ن.ک: نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۲۳). شایان ذکر است که مصرع نخست در تصحیح نفیسی بدین صورت است: «چون لطیف آید بگاہ نوبهار». این ضبط در مقایسه با ضبط فاروقی دقیقتر است.

### ۷. نتیجه‌گیری

جمع‌آوری سروده‌های پراکنده‌ی رودکی سمرقندی از درون متون کهن بویژه فرهنگهای لغت از دیرباز مورد توجه پژوهشگران در ایران، تاجیکستان، افغانستان و برخی کشورهای اروپایی نظیر روسیه و آلمان و ... بوده است. به این دلیل یکایک منابعی که در آن ردی از آثار رودکی سمرقندی و شاعران همدوره‌ی وی باشد برای ما بسیار حائز اهمیت است.

نگارندگان در پژوهش با هدف نقد و بررسی ابیات منسوب به رودکی در فرهنگ دانشنامه‌ی قدرخان درصدد بوده‌اند که کیفیت این اثر را برای رودکی‌پژوهان نشان دهند. پس از بررسیها، هم‌چنین با استمداد از دیگر فرهنگهای کهن، یافته‌های پژوهش را می‌توان در چند بخش جدا سامان داد:

**الف)** فرهنگ دانشنامه‌ی قدرخان اگرچه در زمره‌ی فرهنگهای متقدم فارسی به فارسی با استشهدات فراوان به نام شاعران پیشگام و دیگر شاعران سبک خراسانی، حوزه‌ی آذربایجان و ... است از آنجا که در بلاد هندوستان تحریر یافته و ایرادات متعددی بر آن وارد است، جزء منابع دست دوم در بازیابی اشعار رودکی به‌شمار می‌رود؛ نه دست اول و این برخلاف عملکرد مصححان و گردآورندگان سروده‌های رودکی سمرقندی از آغاز تا امروز است.

**ب)** یکی از معایب عمده این فرهنگ، فراوانی موارد تصحیف و تحریف در آن است که بسیاری از آنها با بررسی و مطابقت با دیگر فرهنگهای شعری قابل بازیابی



است. پاره‌ای از این تصحیفات تنها در نسخه خطی فرهنگ دیده می‌شود و پاره‌ای دیگر در فرهنگ *قواس* و *مدارالافاضل* نیز قابل مشاهده است.

ج) کمبودهای این فرهنگ به مقوله تصحیف و تحریف محدود نمی‌شود؛ از جمله دیگر ایرادات وارد بر آن، می‌توان به ضبط‌های مجعول، دستکاریهای سبکی، اختلالات وزنی و ضبط‌های بی‌معنی و معشوش اشاره کرد.

د) در زمینه انتساب ابیات نیز مؤلف اشتباهاتی را مرتکب شده که البته این اشتباهات در اغلب موارد با فرهنگ *قواس* یکسان است.

در پژوهش، مجموعاً بیست و سه بیت و دو مصراع زیر عنوانهای مختلف بررسی شده است.

نگارندگان در پایان این نکته را یادآور می‌شوند که پژوهش صرفاً بر روی مواضعی از فرهنگ صورت پذیرفته که مؤلف ابیاتی منسوب به رودکی را برای استشهاد برخی لغات آورده است و اینان قضاوت جزئی‌ای درباره کل اثر به‌انجام نرسانیده‌اند. امید است پژوهش مختصر راهگشای رودکی پژوهان باشد و آنها را در رسیدن به‌سروده‌های هزار و صدساله رودکی و بازیابی درست آنها یاری رساند.

#### پی‌نوشت

- عنوان «دانشنامه قدرخان» را خود مؤلف برای این اثر برگزیده است: «اندیشه کرد نامی باید نهادن که مولود بی‌نام و شراب بی‌جام خوب نیاید، دانشنامه قدرخان نام نهاده که در این عصر میان امیران دهر در بذل و دانش چنان است...» (حسین‌زاده، هاشم، ۱۳۹۶: ۴۶). هم‌چنین درباره درستی اطلاق این نام به فرهنگ (بنگرید به: غیاث‌اف، نظام‌الدین اوا، ۱۳۹۴: ۵۶۱-۵۶۲).
- نفیسی در بخش معرفی منابع مستند منبع شماره ۸۶ را برای این اثر پذیرفته و نوشته است «مأخوذ از کتاب سابق‌الذکر»؛ ضمناً روش نفیسی با براگینسکی و میرزایف فرق دارد. وی ابیات تازه‌ای را که در تصحیح میرزایف آمده به‌صورت پراکنده در دیوان آورده است.
- شایان ذکر است که این دو محقق، نسخه خطی *دانشنامه قدرخان* را در سال ۲۰۱۳م در کشور تاجیکستان شهر خجند به‌صورت فاکسیمیله همراه با مقدمه و توضیحات به‌چاپ رسانیده‌اند که نویسندگان این جستار به آن دسترسی نداشتند و به‌همین دلیل قضاوتی درباره آن ندارند.
- این عنوان، مأخوذ است از تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی اثر نجیب مایل هروی؛ برای اطلاعات بیشتر بنگرید به آن، ص ۲۷۱-۲۶۰.
- به نقل از استاد فرهاد نصیری شیرازی، عضو انجمن خوشنویسان شیراز؛ نگارندگان بر خود می‌دانند از ایشان تشکر کنند.

کاستی‌های عمده ایبات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان

۶. مصرع نخست در لغت فرس تصحیح مجتبابی و صادقی با اختلاف «کو ناید باز ایچ»، ضبط شده است.

۷. پاول هرن نیز در ضبط این واژه نگارش کهن را رعایت کرده است:

آتش‌کده دارم سد و بر هر مژه‌ای  
(اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۱۱۸)

۸. نفیسی مصرع دوم بیت را بدین صورت ضبط کرده است: «آتشکده دارم سد و بر هر مژه‌ای ژی» (نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۳۳). وی این ضبط را بر اساس لغت فرس چاپ هرن آورده است (ن.ک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۱۱۸). بجز این ضبط در مجمع‌الفرس نیز ضبط «آتشکده دارم سد و بر هر مژه صد ژی»، آمده (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۷۰۷) و دبیرسیاقی نیز آن را در تصحیح لغت فرس بر دیگر ضبط‌ها ترجیح داده است (اسدی طوسی، ۱۳۳۶: ۱۷۷).

۹. در نسخه اصل مورخ ۷۶۶ق با اختلاف «بردار به‌خانه» و «بفلج و پژاوند»، ضبط شده است.

۱۰. این اختلافات بدین صورت است: نسخه ۸۷۷ق: «دلت ز دنیا»، «در خانه تو فروبند»؛ لغت فرس کتابخانه ملی و دانشگاه تهران: «دل از دنیا برآور و».

۱۱. «سیم‌اندود»، در این فرهنگ به صورت «سیم‌اندوز [کذا]»، ضبط شده که به‌گمان، اغماض کاتب یا اشتباه چاپی بوده است.

۱۲. مصرع دوم در این نسخه با اختلاف «نگیرد سر»، ضبط شده است.

۱۳. در فرهنگ شعوری نیز این بیت آمده اما به صورت «نه بگریزد کس از..»، ضبط شده است (شعوری، ۱۱۵۵: برگ ۱۲۸، ج ۲).

۱۴. در نسخه، واژه «کس» از مصرع دوم افتاده است:

بگریزد از کرم آلودش

۱۵. این «ب» در فارسی دری دوره نخستین، جزء صرفی است که بر سر صیغه‌های فعل مضارع (اخباری-التزامی) و فعلهای ماضی و صیغه‌های وجه امری در می‌آید (خانلری، ۱۳۷۸: ۴۵).

۱۶. نذیر احمد (مصحح فرهنگ قواس)، مصرع نخست را برخلاف نسخه اساس به صورت «میفگنی خورش پاک را ز بی‌اصلی»، تصحیح کرده و ضبط نسخه اساس را در حاشیه آورده است.

۱۷. این نسخه رونوشتی از نسخه مورخ ۷۶۶ق است که ذکر آن گذشت.

۱۸. در فرهنگ وفایی به تصحیح تن هوی جو، این بیت به شاهد واژه «گزار»، نیامده است (ر.ک: وفایی، ۱۳۷۴: ۱۶۵). هم‌چنین در نسخه مورد بررسی ما، ضبط مصرع نخست با اختلاف «نیفگنی خورش

ناگوار بد اصلی»، نسبت به ضبط اخیر آمده است.

۱۹. در فرهنگ قواس و صحاح‌الفرس با اختلاف «از آنچه»، ضبط شده است.

۲۰. در نسخه به صورت «درباب» نیز قابل خواندن است.

۲۱. در این تصحیح، «وَرغ» عیناً به‌همین صورت با حرکت ضمّه آمده است؛ اما این تلفظ درست نیست و «وَرغ» با حرکت فتحه صحیح‌تر است. (در این باره بنگرید به: منشی، ۱۳۸۹: ۱۸۶، ح ۱).

۲۲. نقل این دو بیت به‌عنوان یک قطعه مستقل از رودکی در چاپ نفیسی صرفاً برحسب اتحاد وزن و قافیه بوده‌است؛ زیرا هر دوی این ابیات به صورت جدا در فرهنگ‌های لغت ضبط شده نه متصل.
۲۳. برای مطالعه بیشتر درباره دست‌بندی نسخه‌های لغت فرس اسدی (ر.ک: صادقی، ۱۳۹۳: ۸۰).
۲۴. در این فرهنگ ذیل واژه «فلغز»، آمده است.

### منابع

- ادیبی؛ **عجائب اللغه (فرهنگ فارسی به فارسی)**؛ به تصحیح محمود مدبری، کرمان: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ۱۳۸۹.
- \_\_\_\_\_؛ **عجایب اللغه**؛ نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۲۱۹۲، بی‌تا.
- اسدی طوسی، ابومنصور علی‌بن احمد؛ **فرهنگ فارسی (لغت فرس)**؛ نسخه خطی تصحیح و تحریر سعید نفیسی از روی نسخه مورخ ۷۲۱ق، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۲۹۷، ۵۵۳۲.
- \_\_\_\_\_؛ **کتاب لغت فرس**؛ به سعی و اهتمام پاول هرن، برلین (شهر: گتنگن): مطبع دیتریخ، ۱۸۹۷م.
- \_\_\_\_\_؛ **نسخه خطی لغت فرس نخبجوانی با عنوان «مشکلات در پارسی دری» به خط عبرت نائینی**؛ کتابت شده از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۶۶ق و کتابت حسام‌الدین حافظ ملقب به نظام تعریف، کتابخانه مجلس، ش ۵۵۶۹، ۱۳۱۲.
- \_\_\_\_\_؛ **فرهنگ اسدی طوسی**؛ کتابت اقل‌السادات عبدالوهاب حسینی، کتابت از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۲۱ق، کتابخانه مجلس، ش بازیابی ۱۵۶۱۱، ۱۳۱۴.
- \_\_\_\_\_؛ **کتاب لغت فرس**؛ تصحیح عباس اقبال، تهران: مجلس، ۱۳۱۹.
- \_\_\_\_\_؛ **لغت فرس**؛ به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶.
- \_\_\_\_\_؛ **لغت فرس «لغت دری»**؛ تصحیح فتح‌الله مجتبابی و علی‌اشرف صادقی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۵.
- \_\_\_\_\_؛ **لغت فرس اسدی طوسی (بخشی از سفینه تبریز)**؛ کتابت ابوالمجد تبریزی، کتابخانه مجلس، ش ۱۴۵۹۰، ۷۲۱ق.
- \_\_\_\_\_؛ **مشکلات پارسی دری**؛ نسخه خطی لغت فرس کتابخانه ملی تبریز به ش ۱۱۰۸، ۷۶۶ق.
- \_\_\_\_\_؛ **لغه الفرس (کتاب اللغه بالفارسیه)**؛ نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه، شماره ۴۷۴۳ بی‌تا [الف].

- \_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ایبات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان
- \_\_\_\_\_؛ لغت فرس؛ نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۲۹۸، بی تا [ب].
- \_\_\_\_\_؛ فرهنگ حضرت صدرالافضل ابومنصور علی بن احمد الاسدی الطوسی، (بی-کا)؛ نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، ش ۲۰۳۸۸-۵، بی تا [ج].
- پورداود، ابراهیم؛ فرهنگ ایران باستان؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
- تنوی، عبدالرشید بن عبدالغفور؛ فرهنگ رشیدی؛ به کوشش محمد عباسی، تهران: انتشارات کتابخانه بارانی، ۱۳۳۷.
- جاروتی، ابوالعلاء عبدالمؤمن؛ فرهنگ مجموعه الفرس؛ به تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۳۶.
- جمال‌الدین انجو، حسین بن حسن؛ فرهنگ جهانگیری؛ به کوشش رحیم عقیفی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۹.
- حافظ اوبهی، سلطان علی هروی؛ تحفه الاحباب؛ به کوشش فریدون تقی‌زاده طوسی، نصرت-الزمان ریاضی هروی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- \_\_\_\_\_؛ لغتنامه تحفه الاحباب؛ با مقدمه، تصحیح و تحشیه معاون سرمحقق حسین فرمند، کابل: آکادمی علوم ج.ا، ۱۳۶۷.
- حاکمی، اسماعیل؛ «دانشنامه قدرخان و فرهنگ فارسی»؛ طیران آدمیت (سی مقاله در زمینه تاریخ و ادب فارسی)، تهران: باز، ۱۳۸۲.
- حسین‌زاده، شریف‌جان، هاشم، رحیم؛ «دانشنامه قدرخان و اهمیت آن در آموختن آثار رودکی و میراث ادبی ما»؛ یک بیت پرنیان (مجموعه مقالات پژوهشگران تاجیک پیرامون احوال و آثار رودکی)، تهیه و برگردان شاه‌منصور خواجه‌اف، تهران: مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۶.
- حلیمی، لطف‌الله؛ شرح بحرالغرائب؛ نسخه خطی کتابخانه مجلس، (بی‌کا)، شماره بازیابی ۸۶۱، بی تا.
- خانلری، پرویز (ناتل)؛ دستور تاریخی زبان فارسی؛ به کوشش عفت مستشارنیا، چ چهارم، تهران: توس، ۱۳۸۷.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- رودکی، جعفر بن محمد؛ دیوان رودکی؛ شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، تهران: توس، ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_\_؛ دیوان ابو عبدالله جعفر بن محمد بن حکیم ابن عبدالرحمان ابن آدم رودکی



- سمرقندی؛ تهیه، تصحیح، پیشگفتار و حواشی قادر رستم، زیر نظر صفر عبدالله، برگردان شاه-منصور شاه‌میرزا، تهران: مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۱.
- ریاحی، محمدامین؛ *کسای مروزى: زندگى، اندیشه و شعراو*؛ چ دوازدهم، تهران: علمی، ۱۳۸۶.
- سروری کاشانی، محمد قاسم بن محمد؛ *فرهنگ مجمع‌الفرس*؛ تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات کتابفروشی علمی، ۱۳۳۸.
- شعوری، حسین‌بن عبدالله؛ *فرهنگ شعورى (لسان‌العجم)*؛ چاپ سنگی، قسطنطنیه: دارالمطبعة معموره، ۱۱۵۵.
- صادقی، علی‌اشرف؛ «لغت فرس»؛ *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، ج ۵، ص ۶۸-۸۲، ۱۳۹۳.
- ظهیری سمرقندی، محمدبن علی‌بن محمد؛ *سندبادنامه*؛ باهتمام و تصحیح و حواشی احمد آتش، استانبول: چاپخانه وزارت فرهنگ، ۱۹۸۴م.
- غیاث‌اف، نورالله، نظام‌الدین او، رخساره؛ «فرهنگ "دانشنامه قدرخان" و خصوصیت‌های عمده آن»؛ *مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی*، ص ۵۵۹-۵۶۷، ۱۳۹۴.
- فاروقی، اشرف‌ابن شرف‌المذکر؛ *لغات پهلوی (دانشنامه قدرخان)*؛ نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۶۳۸، ۸۰۷ه.ق.
- فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (منسوب به قطران)*؛ تصحیح دکتر علی‌اشرف صادقی، تهران: سخن، ۱۳۸۰ه.ق.
- فیضی سرهندی، الله‌داد؛ *مدارالافاضل*؛ باهتمام دکتر محمد باقر، لاهور: دانشگاه پنجاب، ۱۳۳۷.
- قواس غزنوی، فخرالدین مبارکشاه؛ *فرهنگ قواس*؛ به تصحیح نذیر احمد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- مایل هروی، نجیب؛ *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- مدبری، محمود؛ *شرح احوال شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳، ۴، ۵ هجری قمری*؛ تهران: پانوس، ۱۳۷۰.
- منشی، نصرالله؛ *ترجمه کللیه و دمنه انشای ابوالمعالی نصرالله منشی*؛ تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹.

- \_\_\_\_\_ کاستی‌های عمده ابیات رودکی مضبوط در نسخه خطی فرهنگ دانشنامه قدرخان میرزایف، عبدالغنی؛ *ابوعبدالله رودکی و آثار منظوم رودکی (تحت نظر ی. براگینسکی)*؛ استالین‌آباد: نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۵۸م.
- نخجوانی، هندوشاه؛ *صاحح الفرس*؛ به اهتمام عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱.
- نصیری شیراز، زهرا، امامی، نصرالله، دهقان، سجاده؛ «بررسی ابیات تازه و منسوب به رودکی در فرهنگ لغت حلیمی (شرح بحر الغرائب)»؛ *متن‌شناسی ادب فارسی*، ش چهارم، ص ۱-۲۰، ۱۳۹۷.
- نفیسی، سعید؛ *احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی*؛ ج ۱، تهران: کتابخانه ترقی، ۱۳۰۹.
- \_\_\_\_\_؛ *احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی*؛ ج ۳، تهران: شرکت کتابفروشی ادب، ۱۳۱۹.
- \_\_\_\_\_؛ *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*؛ ج دوم، تهران: انتشارات کتابخانه ابن-سینا، ۱۳۴۱.
- وفایی، حسین؛ *فرهنگ وفایی*؛ نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۵۳۳۶، ۱۴۰۱ه.ق.
- \_\_\_\_\_؛ *فرهنگ فارسی (معروف به فرهنگ وفایی)*؛ براساس نسخه‌های خطی موجود در چین، به تصحیح تن هوی جو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

